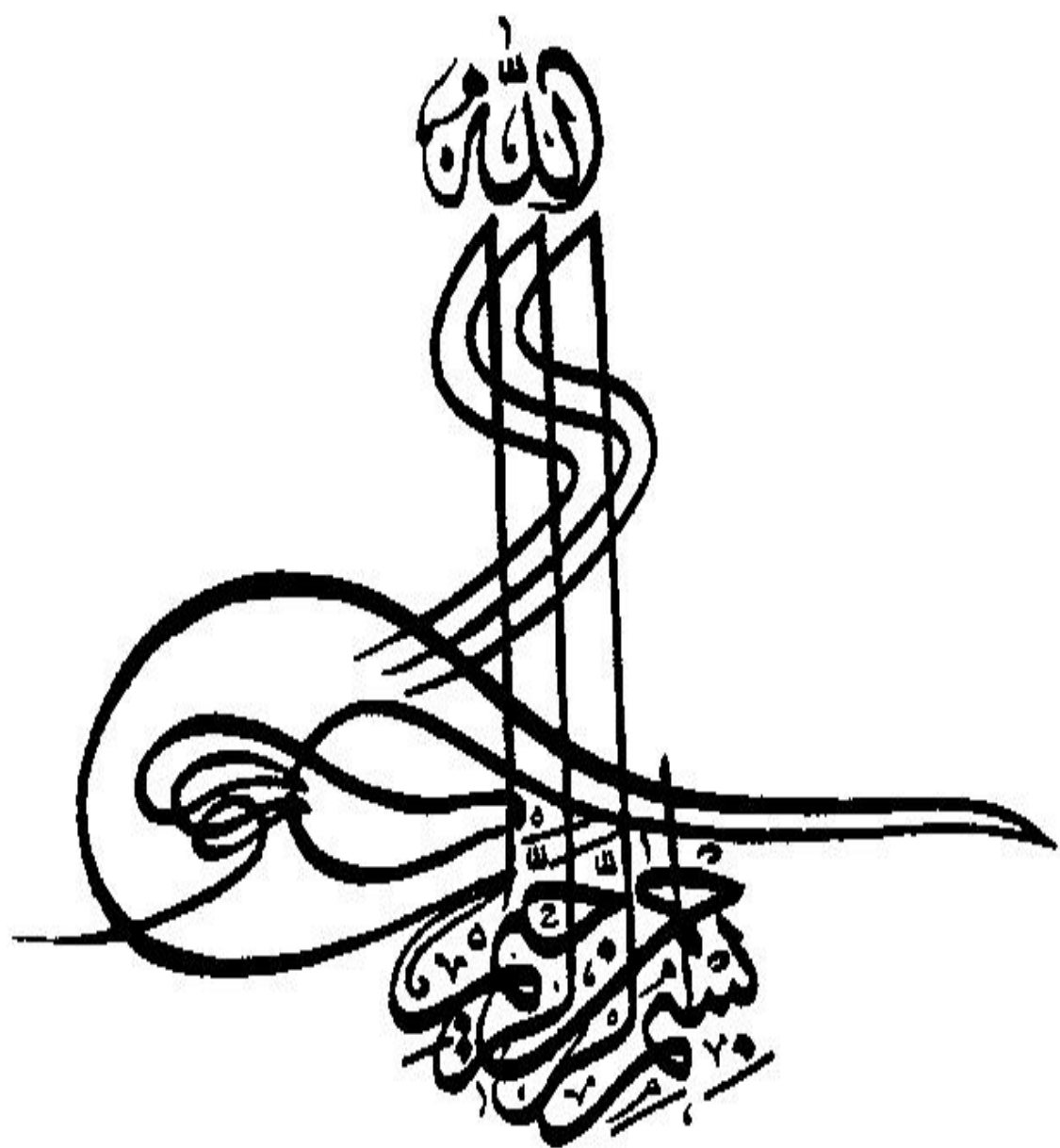


جزوه درس فرهنگ و رفتار اجتماعی

استاد:

یوسفیان



فهرست مطالب

| | |
|---------|--|
| ۱..... | مفهوم فرهنگ |
| ۳..... | تعریف فرهنگ |
| ۱۱..... | تأثیر عامل زیستی در رفتار اجتماعی |
| ۱۲..... | فرهنگ و کنش و واکنش همسانی ها و نا همسانی ها |
| ۱۴..... | فرهنگ بعنوان دریچه ای برای دید جهان |
| ۱۵..... | زیست بوم و بروز رفتار و فرهنگ اجتماعی |
| ۱۷..... | جنبه های اتیک و امیک |
| ۱۹..... | فرا اندامواره بودن فرهنگ |
| ۱۳..... | فرهنگ پذیری |
| ۲۰..... | اهمیت و نقش فرهنگ در جامعه |
| ۲۰..... | تعاریف رفتار |
| ۲۰..... | انواع رفتار |
| ۲۱..... | رفتار اجتماعی |
| ۲۲..... | رفتار اجتماعی در دوران مختلف زندگی |
| ۲۲..... | خانواده و رفتار اجتماعی |
| ۲۳..... | آموزش و پرورش و رفتار اجتماعی |
| ۲۳..... | اصول رفتار و رفتار اجتماعی |
| ۲۴..... | سبک زندگی و رفتار اجتماعی |
| ۲۴..... | فرهنگ و رفتارهای اجتماعی مطلوب |
| | اهمیت رفتار اجتماعی |
| ۲۵..... | نهاد اجتماعی |
| ۲۶..... | تکنولوژی و رفتار اجتماعی |

| | |
|----|--|
| ۲۸ | اقوام و رفتار اجتماعی |
| ۲۹ | اثرات پوشش بر رفتار اجتماعی |
| ۲۹ | فرهنگ و باروری، تولد نوزاد |
| ۳۰ | تأخر فرهنگی و رفتار اجتماعی |
| ۳۰ | فرهنگ و مصرف گرایی |
| ۳۱ | مصرف و طبقات اجتماعی |
| ۳۱ | حقوق و قوانین روابط اجتماعی |
| ۳۲ | فرهنگ، قانون گریزی و قانون ستیزی |
| ۳۳ | رسانه، فرهنگ، رفتار اجتماعی |
| ۳۴ | شایعه و رفتار اجتماعی |
| ۳۴ | اصول صحیح روابط میان فردی |
| ۳۵ | ویژگی های فرهنگی و رفتار اجتماعی ایرانیان باستان |
| ۳۶ | ویژگی های رفتاری ایرانیان در قرون اخیر |
| ۳۶ | آداب و رفتار اجتماعی در اسلام |
| ۳۷ | حقوق همسایگان |
| ۳۸ | حقوق خویشاوندان |
| ۳۸ | حقوق والدین و فرزندان |
| ۳۹ | ارتباطات غیر کلامی و الگوهای رفتاری |
| ۴۱ | قانون گرایی و قانون شکنی در رفتار اجتماعی |
| ۴۲ | فرهنگ ذهنی و رفتار اجتماعی |

مفهوم فرهنگ

مفهوم فرهنگ نخستین بار توسط مردم شناس انگلیسی، سرادوارد بارنت تایلور در سال ۱۸۷۱ به کار رفت. وی فرهنگ را مجموعه ای پیچیده می داند شامل: دانش ها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق، آداب و رسوم و دیگر قابلیت ها و عادت هایی که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را فرا می گیرد. پس از تایلور تعریف های فرهنگ گسترش یافت و به بیش از ۳۰۰ تعریف رسید. فرهنگ به تعبیر گسترده آن عبارت است از نظام مشترکی از باورها، ارزش ها، رسم ها، رفتارها، و مصنوعات که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهانشان و در رابطه با یکدیگر به کار می برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. در یک تعریف ساده از فرهنگ به عنوان "میراث ملی" یاد شده است. امروزه فرهنگ بر همه ابزارهایی که در اختیار افراد جامعه است و نیز به تمامی آداب و رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمان های اجتماعی که در یک جامعه وجود دارد، اطلاق می شود. فرهنگ را می توان مظهر همه ارزشها و وسایلی دانست که به کمک آن انسان ها به طور انفرادی یا دسته جمعی می کوشند تا جبر زندگی و محیط را با خواست های آزادی و خرد انسانی سازگار کنند و از آن راه زندگی و ارتباط خود را با جهان زیباتر و پویاتر سازند.

اهمیت فرهنگ، مانند بقیه بخش های علوم اجتماعی، بعد از اوج علوم طبیعی تا اوایل قرن بیستم و سپس این احساس کمبود علمی که همه پدیده های رفتاری و اجتماعی را نمی توان به وسیله قانونمندی های علوم طبیعی تبیین نمود، آغاز گردید. از آنجا به بعد مطالعات قوم شناسی^۱ مردم شناسی و انسان شناسی فرهنگی^۲ به عنوان

^۱ - Ethnology

^۲ - Cultural Anthropology

اولین مطالعات تئوریک و تجربی در زمینه علوم اجتماعی انجام گرفت. مطالعات فرهنگی ابتدا تحت نفوذ علوم طبیعی، همواره تأثیر عوامل فیزیولوژیکی و طبیعی بر روی رفتار فرد و اجتماعی را نیز در بر گرفت. اما اندکی بعد متغیر فرهنگ به طور مستقل، به عنوان عامل تأثیر گذار بر رفتار فردی و اجتماعی مطرح شد. در مراحل بعد، مانند مراحل تکوینی هر بخش علمی، جنبه ای مشخص و ملموس تر، یعنی عناصر تشکیل دهنده آن مطرح می شوند. زبان، مذهب، آداب و رسوم، ارزشها، هنجارها، علم، هنرهای خاص (نقاشی، معماری و کارهای دستی)، شعر و موسیقی، تکنولوژی و اقتصاد ای آنها عناصر تشکیل دهنده فرهنگ هستند.

فرهنگ به عنوان وجه تمایز زیستی جوامع انسانی و حیوانیست. فرهنگ بزرگترین میراث جوامع بشری است، فرهنگ مهمترین نیاز و بهترین ابزار رفع نیاز است. فرهنگ عامل اساسی تداوم حیات بشری و مهمترین عامل توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و انسانی و اخلاقیست و به همین دلیل کانون توجه صاحب نظران، اندیشمندان و نخبگان قرار گرفته است. زیرا آنها بخوبی دریافته اند که ریشه بحران فزاینده امروز جوامع را باید در فرهنگ جستجو کرد. فرهنگ به عنوان عالی ترین دستاورد بشری محور توسعه و مسائل اجتماعی است اما مفهوم فرهنگ بسیار پیچیده است و بدون تردید یکی از اساسی ترین و پیچیده ترین مسائل جامعه ما نیز فرهنگ آن است. پیچیدگی آن موجب می شود که افراد فقط به ابعاد از آن توجه داشته باشند و لذا در تاریکی، گم شده خود را جستجو کنند. همین پیچیدگی و ناآشنایی با ابعاد و مسئله باعث شده تا هزینه های بسیار زیادی در این زمینه (فرهنگ) مصرف شود و نه تنها منتج به نتیجه مثبتی نمی گردد بلکه حتی نتایج زیانبار و بعضاً جبران ناپذیری بر فرهنگ تحمیل می کند.

تعریف فرهنگ:

ریموند ویلیامز، نظریه پرداز ویلزی و استاد متوفای تئاتر در دانشگاه کمبریج، در توصیفی جالب فرهنگ را «یکی از دو یا سه واژه بسیار پیچیده در زبان انگلیسی می داند.

با مطالعه متنهای باستانی ایران، درمی یابیم که واژه «فرهنگ» از دوره پارسی میانه است که وارد فرهنگ ایران می شود و پیش از آن کلمه ای که به معنای فرهنگ باشد در این زبان وجود نداشت. در این دوره در متنهای پهلوی، ساسانی، متنهای سغدی و مانوی کلمه فرهنگ را می توان بازشناخت. واژه فرهنگ در پهلوی ساسانی به صورت «فره هنگ» آمده است، که از دو جزء «فره» - که پیشاوند است و در فارسی هخامنشی و اوستا به صورت فره به معنای پیش، فرا، شکوه و جلال آمده است؛ و «هنگ» از واژه اوستایی تینگ (Thing) به معنای کشیدن، راندن، سنگینی و وقار است. واژه مرکب «فرهنگ» به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است. فرهنگ فارسی معین هم واژه ای «فرهنگ» را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است. واژه فرهنگ در فارسی ابتدا به معنای بالا کشیدن استعدادهای انسانی تعبیر می شد. بعدها فردوسی در اشعار خود از واژه فرهنگ به معنای فنون استفاده کرده است. در قرون اخیر فرهنگ به معنای «آموزش» بوده که پس از انقلاب اسلامی به «معارف اسلامی» نیز تعبیر شده است.

در زبان انگلیسی فرهنگ برگرفته از کلمه «Culture» است. تا اوایل قرن هفدهم میلادی «Culture» به معنی تهذیب، آموزش و رشد بود. در سال ۱۷۵۰ میلادی واژه "Culture" که به زبان فرانسه "کولتور" تلفظ می شد، به معنی آداب و رسوم و مواردی که در ساخت اجتماعی موثر بوده قلمداد می شد. هنگامی که مفهوم «فرهنگ» برای

نخستین بار در سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی در اروپا به کار گرفته شد، بر فرایند کشت و زرع یا ترویج در کشاورزی و باغبانی دلالت داشت. چنان‌که واژه انگلیسی این مفهوم از واژه لاتین «کالتورا»^۳ و «کولر»^۴ ریشه گرفته شده است که به معنای کشت، زراعت و ترویج است. در آغاز سده نوزدهم میلادی این مفهوم بر بهبود یا پالایش و تهذیب نفس در افراد (به‌ویژه حین آموزش) استوار بود و سپس بر تأمین آرزوهای ملی یا ایده‌آل‌ها دلالت داشت. در اواسط قرن نوزدهم میلادی برخی از دانشمندان واژه فرهنگ را برای ارجاع به ظرفیت جهان‌شمول بشری اطلاق کردند. در قرن بیستم میلادی نیز «فرهنگ» به عنوان یک مفهوم محوری و کلیدی در انسان‌شناسی به کار رفت که همه پدیده‌های انسانی را در بر می‌گرفت.

مفهوم فرهنگ همواره از رایج‌ترین، آشناترین و در عین حال پیچیده‌ترین و پرابهام‌ترین مفاهیم مورد استفاده در علوم انسانی و اجتماعی است. فرهنگ دانش، اعتقادات و روش‌های انجام کار است که در میان تعدادی از اعضای جامعه مشترک بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. برخی از پژوهشگران و صاحب نظران تلاش‌های بسیاری در جهت توصیف و تبیین فرهنگ صورت داده‌اند، اما آنچه در این میان همه این کوشش‌ها را با مشکل روبه‌رو کرده است، وسعت زیاد مفهوم فرهنگ و کاربردهای ناهمگون و مختلف آن است.

فرهنگ، یکی از پرکاربردترین مفاهیم در زندگی بشری می‌باشد. درباره فرهنگ، نظریات متعدد و گاه متناقضی وجود دارد. برخی با تأکید بر اکتسابی بودن فرهنگ آن را چنین تعریف کرده‌اند: «مجموعه الگوها یا هنجارهای رفتاری است که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد». گاهی نیز فرهنگ را به «راه و رسم

³ Cultura

⁴ Colere

زندگی جامعه» تعریف کرده‌اند. **ماتئو آرنولد**^۵ از متفکران انگلیسی به جنبه آرمانی فرهنگ و شکل‌گیری آن از مجموعه ارزش‌ها توجه دارد. از دیدگاه وی فرهنگ، عبارت است از جستجوی کمال مطلق، به یاری قرار گرفتن بهترین اندیشه‌ها و گفته‌ها در باب مطالبی که بیشترین ارتباط را با ما دارد. وی مفهوم فرهنگ را به عنوان اصلی که بر همه فعالیت‌های جامعه نظارت دارد معرفی می‌کند. بیشتر جامعه‌شناسان بر تعریف تایلور^۶ به عنوان جامع‌ترین تعریف تأکید می‌ورزند. از نظر تایلور فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند.

با چشم‌پوشی از مباحث مفصلی که در این مقام وجود دارد، می‌توان فرهنگ را به «کلیت هم تافته باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و فعالیت‌های اجتماعی به عنوان بخش ذهنی فرهنگ؛ و تمدن به عنوان بخش عینی آن» تعریف کرد.

در تعریف سیستمی از فرهنگ، فرهنگ، کلیت هم تافته‌ای است که اجزای آن با یکدیگر ارتباط سیستمی دارند. بنابراین اگر فرهنگ را یک سیستم بدانیم؛ مدیریت فرهنگ، مدیریت سیستم فرهنگ است. یعنی برای مدیریت فرهنگی لازم است اجزای فرهنگ را در جای خودشان قرار دهیم و تعامل آنها را به خوبی با هم برقرار کنیم.

⁵ - Matthew Arnold

⁶ - Edward Tylor

طبق تعریفی دیگر از فرهنگ، فرهنگ... کمیت در هم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر قانون و اخلاقیات آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی چون عضو^۷ از جامعه به دست می‌آورد.

گروهی از جامعه‌شناسان عقیده دارند "فرهنگ" تفکر جمعی جامعه است که در پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می‌یابد و تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مادی و معنوی را متأثر می‌سازد. "فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسانها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در "حیات معقول" تکاملی باشد."

در مجموع با بررسی مفهوم فرهنگ آنچه که می‌توان برداشت نمود، وجود رابطه ناگسستنی فرهنگ و جامعه است. فرهنگ در تاروپود جامعه نهفته است و تصور این دو بدون هم غیرممکن می‌باشد. در واقع هر جامعه‌ای دارای فرهنگ مخصوص به خود است که این امر باعث تمایز آن جامعه از سایر جوامع می‌شود. از منظر دیگر، این فرهنگ است که در جامعه نمود پیدا می‌کند و عینیت می‌یابد. در کل، جامعه را می‌توان بستر به فعلیت رساندن فرهنگ دانست و فرهنگ را می‌توان خروجی رفتاری جامعه قلمداد کرد. و البته فرهنگ خود بعنوان متغیر مستقل عامل توسعه جامعه است.

با وجود تعاریف متعددی که از فرهنگ وجود دارد، هنوز تعریف جامعی که مورد قبول همه باشد برای آن ارائه نشده است. در تعریف فرهنگ جامعه‌شناسان نیز اتفاق نظر ندارند و تا کنون بیش از ۲۵۰ تعریف از فرهنگ از دیدگاه‌های گوناگون ارائه داده اند.

جامع ترین تعریف از آن تایلور است که در کتاب فرهنگ ابتدائی آمده است. به نظر وی فرهنگ عبارت است از «مجموعه پیچیده‌های از دانشها، اعتقادات، هنرها، امور اخلاقی، قوانین، عادات و هرگونه توانائی دیگری که انسان به عنوان عضوی از جامعه بدست آورد». فرهنگ عبارت است از ارزشهایی که گروه معینی از آن پیروی میکنند و کالاهای مادی ای که تولید می کنند و کلیه اشکال زندگی یک قوم، از جمله پایه های فکری آن را تشکیل میدهد و تمام زمینه های فنی موجودیت آن قوم (از جمله البسه، ساختمان و ابزار) را دربر میگیرد. در مجموع فرهنگ زیربنای حیات جمعی انسانها و ارزش بخش کلیه فعالیتهای آنها است. یکی از ویژگیهای اساسی تمامی جوامع اعم از ساده و پیشرفته کنونی حضور ملموس و عینی فرهنگ در تمامی ابعاد زندگی است و فرهنگ یکی از ابعاد اساسی پیوستگی و همبستگی افراد انسانی است. به کمک فرهنگ است که انسانها به طور انفرادی یا دسته جمعی می کوشند تا جبر زندگی و محیط را با خواسته های آزادی و خرد انسانی سازگار کنند و از آن راه زندگی و ارتباط خود را با جهان پویاتر و زیباتر سازند. از دید یونسکو «فرهنگ کلیت تامی از ویژگی های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را در بر می گیرد، بلکه شامل آیین های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظامهای ارزشی، سنت ها و باورهاست».

از دیدگاه دورکیم فرهنگ برخاسته از آگاهی جمعی است که دورکیم آن را به «مجموعه‌ای از باورها و احساسات مشترک بین اعضای جامعه» تعریف می‌کند. دورکیم برخلاف پیروان مکتب اصالت فرد، بر تقدم جامعه بر فرد تأکید می‌گذاشت. به نظر او مکتب اصالت فرد گرفتار نوعی غلو در تحلیل عنصر روانی فرد است که آن را مکتب اصالت نفسانیات می‌نامید^۸. در هر دو اثر خود به نام‌های اشکال اولیه زندگی مذهبی، و خودکشی نظریه

«آگاهی جمعی»⁹ را پرورش داد که می‌توان آن را نظریه فرهنگی او دانست. به اعتقاد او در هر جامعه‌ای یک «آگاهی جمعی» وجود دارد که معرف آن جمع است مانند اندیشه‌ها، ارزش‌ها و عواطفی که مشترک است میان افراد یک جامعه.

کروبر و کلوکهون¹⁰ فرهنگ را چونان مجموعه‌ای در نظر می‌گیرند که بر اثر «شناختها، باورها، هنر، حقوق، اخلاق، آداب و سایر شایستگی‌ها و عادات انسان، به عنوان عضو یک جامعه» حاصل آمده است.

کروبر و کلوکهون که هر دو مردم‌شناس‌اند در مطالعه معانی «فرهنگ» (۱۹۵۲) بر آخرین عرصه متمرکز شدند. آنها تعدادی غیرقابل تصور از تعاریف دانشگاهی فرهنگ را گرد آوردند که اکثر آنها را مردم‌شناسان دیگر ارائه کرده بودند. اگرچه تداخل معنایی زیادی بین تعاریف وجود داشت، آنها توانستند شش درک اصلی از فرهنگ را مشخص کنند.

(۱) **تعاریف توصیفی:** در این تعاریف گرایش هست تا فرهنگ همچون یک کلیت جامع در نظر گرفته شود که کل زندگی اجتماعی را می‌سازد و عرصه‌های گوناگون تشکیل‌دهنده آن را در بر می‌گیرد.

(۲) **تعاریف هنجاری:** این تعاریف دو نوع‌اند. اولی مبتنی بر این نظر است که فرهنگ نوعی قاعده یا راه و رسم زندگی است که به الگوهای رفتار و کنش انضمامی شکل داده است. برای مثال: «شیوه زندگی یک جماعت یا قبیله، فرهنگ آنهاست... به عبارت دیگر، فرهنگ، چکیده باورهای پذیرفته شده و رویه‌های رایج قبیله است». شکل دوم بر نقش ارزش‌ها بدون ارجاع به رفتار تأکید می‌کند.

⁹ - Conscience collective

¹⁰ Krober and Kluckohn

۳) تعاریف تاریخی: این تعاریف، فرهنگ را میراثی می‌بینند که در طول زمان از طریق نسل‌ها انتقال یافته است.

۴) تعاریف ژنتیکی: این تعاریف، فرهنگ را با توجه به این که چگونه هستی یافته یا چه طور به بودن خود ادامه داده است، تعریف می‌کنند. این تعاریف چندان ربطی به زیست‌شناسی ندارند، بلکه فرهنگ را محصول کنش متقابل انسانها یا محصول تحولات بین نسلی می‌دانند.

۵) تعاریف ساختاری: «تعاریف ساختاری به روابط متداخل سازمان یافته و جنبه‌های تفکیک‌پذیر فرهنگ اشاره می‌کنند.» و بر این نکته تأکید دارند که فرهنگ امری تجریدی است و با رفتار انضمامی فرق دارد.

۶) تعاریف روان‌شناختی: تعاریف روان‌شناختی بر نقش فرهنگ به مثابه حلال مشکلات تأکید می‌کنند. فرهنگ به مردم اجازه می‌دهد با یکدیگر مراوده داشته باشند، آموزش ببینند، یا نیازهای مادی و عاطفی خود را برآورده سازند

مفهومی از فرهنگ که کروبر و کلاکھون و همچنین بسیاری از انسان‌شناسان در سال‌های اخیر می‌پسندند این است که «فرهنگ» یک مفهوم برآهنجیده (تجریدی) است که از مشاهده‌ی رفتار به دست می‌آید ... و به راستی چیزی جز همان رفتار نیست.

از بین تعاریف بالا، تعریف تایلور بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه تعریف تایلور در حال حاضر با انتقادات زیادی مواجه شده است ولی حاوی نکات و عناصر ارزشمندی است که در روشن شدن مفهوم فرهنگ به عنوان پیشرفت می‌تواند یاری‌گر باشد.

فرهنگ برای جامعه همچون حافظه برای انسان است به عبارت دیگر فرهنگ شامل سنت هایی است که نشان می دهد پیش از این چگونه عمل شده است فرهنگ همچنین شامل شیوه نگرش مردم به محیط اطراف شان پیش فرض های بیان نشده آنها در مورد را و رسم دنیا و همچنین روشی است که مردم باید عمل کنند.

یکی از جامع ترین تعاریف فرهنگ را هرسکوتیز در کتاب خود بنام انسان شناسی ارائه داده است به نظر او فرهنگ بخش انسان ساخته محیط اجتماعی است.

با تقسیم فرهنگ به دو جنبه مادی و فرهنگی می توانیم چگونگی تأثیر جنبه ذهنی فرهنگ را بر رفتار مطالعه می کنیم جنبه ذهنی فرهنگ از قبیل هنجارها - قواعد انسانها را در درک محیط طبقه بندی باور ها و ارزش گذاری هدایت می کند و از این طریق آنها به محیط اجتماعی خود می نگرند.

اجزاء فرهنگ ذهنی: اجزاء فرهنگ ذهنی دارای الگوهای منظم و ویژه خودش می باشد ولی برخی قالب های کلی که قابل تسری به کلیه فرهنگ ها هستند تحت عنوان چهار علامت قابل ذکر است که عبارتند از:

پیچیدگی: برخی فرهنگها پیچیده تر است از برخی فرهنگها هستند

فردگرایی: برخی فرهنگها تجربه اجتماعی را حول افراد خود گردان سازمان می دهند

جمع گرایی: برخی از فرهنگها فرهنگ ذهنی خود را پیرامون یک یا چند جمع همچون خانواده قبیله گروه مذهبی

یا کشور سازماندهی می کنند

چیرگی یا تسلط: برخی فرهنگها و هنجارها و قوائد و محدودیتها ی بسیاری را بر رفتار اجتماعی تحمیل می کند

حال آنکه برخی از فرهنگها از تحمیل چنین محدودیت هایی مبرا هستند

تأثیر عامل زیستی در رفتار اجتماعی:

با آنکه فرهنگ رفتار اجتماعی را شکل می دهد اما تنها عامل نیست زیست محیطی و طبیعی هم در این امر نقش دارد و اهمیت آن بطور نسبی به موقعیت بستگی دارد برای مثال اگر ما در محیطی قرار بگیریم که اکسیژن در آن بسیار کم باشد در رفتار مان بیش از هر چیز تنگی نفس مشاهده خواهد شد اما با این همه فرهنگ نیز در این موقعیت نقش مهمی خواهد داشت و آموخته های فرهنگی مان رفتارمان را در این موقعیت هدایت خواهد کرد.

اهمیت روابط فرهنگی برای شناخت فرهنگ خودی زیادی است بطوریکه تا با فرهنگ الگوی ارتباط برقرار نکنید فرهنگ خودمان را نمی توانیم بشناسیم الگوهای عادی فکری چنان در ذهن ما جای می گیرد هرگز فکر نمی کنیم روش عمل در یک محل ممکن در سراسر جهان انجام شود

یکی از ویژگی ها و تفاوتهای فرهنگی بین ملت ها تفاوت بین فرهنگ جمع گرا و فرد گرا است تصویر فرد گراها نسبت به خودشان داشتن خود رهبری مستقل از گروه است آنها بر این باورند که هیچ اشکالی ندارد که بدون توجه به خواست گروه هر کاری دلشان بخواهد انجام دهد در مقابل جمع گراها تمایل دارد خود را متعلق یا بخشی از یک گروه ببینند؛ گروه های همچون خانواده قبیله و شرکت و یا کشور آنها نسبت به اعضاء این گروه ها احساس وابستگی دو جانبه دارد خواست قبلی آنها این است که اهداف شخصی خود را تابع اهداف گروه کند؛ مثلاً در جنگ جهانی دوم

بسیاری از خلبانان ژاپنی داوطلبانه جان خود را فدا کردند آنها هواپیمای خود را درون کشتی های ناوگان آمریکا سرنگون می کردند خود نیز کشته می شدند این ماموریتها افتخاری نشان می دهند که چگونه اهداف شخصی تابع از اهداف گروه می شود چنین رفتاری در فرهنگ فردگرا نادر است.

فرهنگ و کنش و واکنش همسانی ها و نا همسانی ها

بسیاری از انسانها فکر می کنند همه یا کاملاً یکسان هستند و یا کاملاً از هم متفاوت هستند در صورتی که هیچ یک از این اعتقادات صحیح نیست و این امر ساده سازی واقعیت می باشد با بررسی و تأمل در عناصر مختلف واقعیت ها مشاهده می کنیم در زمینه هایی بین مردم تفاوت و در زمینه هایی شباهت وجود دارد تمایل برای هم سان شمردن یا متفاوت شمردن یکی از مفاهیم جهانی رفتار انسان هاست و انسان ها گرایش دارند یا هم سان سازی نموده یا به تفاوت ها تکیه کنند، همه انسانها زبان آداب غذا خوری، زبان حقیقت، هنر، اسطوره، مراسم مذهبی، ساختار خانوادگی سیستم های اقتصادی دولت جنگ خویشاوندی سیستم آموزشی و بهداشتی و تحریم زنا با محارم را دارند همه این معقوله ها بسیار وسیع بوده و تفاوت های بسیاری را از نظر دور نگه می دارند فرض کنیم که همه انسان ها یک نوع آداب غذایی دارند اما در این که چه می خورند چه زمانی می خورند و در کجا و با چه کسی می خورند با یک دیگر تفاوت دارند هر چند که معقولات کلی فراگیر هستند اما در جزئیات تفاوت بسیاری وجود دارد بطور مسلم آنچه که درک رفتار اجتماعی را مشکل می سازد جزئیات تفاوت های فرهنگی است.

وظیفه ما جدا کردن مقوله های عمومی از مقوله هایی است که صفات ویژه فرهنگی خوانده می شود مثل بعضی از ارزش ها که در بین آمریکایی ها و چینی ها مشترک هستند، در هر دو این فرهنگ تصور می شود که پایداری خوب

است هرچند که چینی ها بیشتر از آمریکایی ها به آن اهمیت قائل هستند، همچنین هر دو این فرهنگ ها برای ارزش های مهم یک کلمه و یا یک نشانه نوشتاری دارند در صورتی که برخی از ارزش های چینی را می توان با استفاده از تعداد زیادی لغات انگلیسی بیان کرد وقتی می بینیم که برای بیان یک فکر در یک زبان کلمات بسیاری مورد استفاده قرار می گیرد یا مورد نیاز است در صورتی که در زبان دیگر تنها از یک کلمه برای بیان آن فکر استفاده می شود می توانیم اطمینان حاصل کنیم که آن فکر متعلق به فرهنگی است که از یک کلمه برای بیان آن فکر استفاده می کنند.

همسانی ها و ناهمسانی های فرهنگی، دو روی یک سکه اند همه فرهنگ ها در عین اینکه بسیار شبیه به هم هستند تفاوت های بسیاری نیز با هم دارند در فرهنگ هایی که در محیط زیستی مشابه ظاهر شده اند و با تحت تأثیر شرایط و ساخت اجتماعی قرار دارند می توان انتظار مشابهت را داشته و اگر چنین نباشد می توان با تفاوتها روبه رو بوده برای تفسیر تفاوتها باید چهار چوب فرهنگی هر منطقه مورد بررسی قرار گیرد تا در فهم آن فرهنگ صورت گیرد نمونه هایی از تفاوت های فرهنگی در مناطق مختلف این چنین است

در میان قبیله کراکی در کشور کینه نو اگر مردی پیش از ازدواج رفتار هم جنس بازی از خود نشان ندهد غیر طبیعی محسوب می شود. یا در فرهنگی که گرسنگی در آن شایع است زنان چاق و سوسه انگیز تر از لاغر اندام هستند.

فرهنگ بعنوان دریچه ای برای دید جهان

انسان جهان را کمتر آنگونه که هست و بیشتر آنگونه که خودشان هستند می بینند به عبارت دیگر ما جریانها را بسته به تجربیاتی که داشتیم به شکل های متفاوتی می بینیم تجربه ما درباره حوادث گذشته نحوه قضاوت ما در مورد مسائل مربوط به حال را تحت تأثیر قرار می دهند این موضوع برای درک تفاوت های فرهنگی بسیار اهمیت دارد

قضاوت ما در مورد یک پدیده از یک منطقه خنثی شروع می شود و تجربه آن را به طرفین منحرف می کند این پدیده سطح تطابق خواننده می شود برای مثال افرادی که با اشیاء سبک سروکار دارند مثل ساعت سازها اغلب اشیاء روی زمین سنگین است حال آنکه به بلند کردن اشیاء سنگین عادت دارند مثل وزنه برداران حرفه ای بیشتر اشیاء را سبک وزن می دانند. این گونه قضاوت ها درباره انواع دیگر داوری ها نیز صادق است. برای مثال قضاوت در مورد خوب یا بد بودن قوی یا ضعیف بودن فعال یا منفعل بودن بسته به تجربیات گذشته مان بسیار متفاوت است برای مثال شخصی که سالهای گذشته را در جامعه ای فاسد به سر برده است رییس جمهور را نسبت به آن فردی که آن محیط قبلی را تجربه نکرده درست کار تر می داند.

زیست بوم و بروز رفتار و فرهنگ اجتماعی

منابع و محیط فیزیکی طبیعی از قبیل آب و هوا گیاهان جانوران زمین حاصل خیز امکان بروز رفتارهای خاصی را همچون شکل ماهیگیری یا موارد دیگر فراهم می کند و به پاداش منجر می شود. رفتارهای پاداش گیرنده به رفتارهای خودبخودی و سپس به رسوم آن فرهنگ تبدیل می شوند. این عوامل برای نگریستن به محیط اجتماعی روش خاصی ایجاد می کند. و عواملی هستند که فرهنگ ذهنی دربرگیرنده چگونگی دسته بندی و نام گذاری رخدادها و پیوستگی بین دسته ها، هنجارها نقشها انواع خاص خودشناسی و ارزش هاست وقتی نگرش ها و هنجارها مشخص میشوند بخشی از فرهنگ را تشکیل می دهند این نگرش ها و هنجارها اگر توسط یک فرد مورد استفاده قرار

می گیرد بخشی از شخصیت فرد می شود. ادات خود شناسی ها هنجارها نگرشها باورها با رفتار مرتبط هستند برای مثال در جوامعی که به شکار و ماهی گیری می پردازند باید امکان نقل مکان به هر طرف برای شکار وجود داشته باشد به این علت فرهنگ ها اجرایی را می سازند که تحریک فیزیکی را زیاد می کنند در چنین محیط هایی انسانهای کاردان متکی به نفس و مستقل خوب عمل می کنند و برای همین در روش تربیت فرزندان بر این کیفیت ها تأکید می شود و در نتیجه والدین به فرزندان خود آزادی بیشتری می دهند و با تشویق آنها به داشتن استقلال آنها را جامعه پذیر می کنند.

زیست بوم تنها عاملی نیست که فرهنگ را شکل می دهد در این مورد تاریخ هم به همان اندازه اهمیت دارد زمانی را در نظر بگیریم که وقوع جنگ جهانی دوم در ژاپن موجب تغییر نظر در مردم شد هر چند که ممکن است بگوئیم بطور ریشه تغییر نکردند پس جریانات تاریخی به همان اندازه که زیست بوم فرهنگ را شکل می دهد می توانند خود فرهنگ را هم شکل دهند

بطور خلاصه زیست بوم و تاریخ، فرهنگ را شکل می دهند و برای مردم روش تربیت فرزند مشخص می کنند شکلگیری الگوی خاص جامعه پذیری به شکل گیری ویژگی شخصی منجر می شود و رفتار با شخصیت پیوند خورده است غالباً مردی که شخصیت خاصی دارند تمایل دارند موقعیت هایی را برگزینند که مناسب شخصیت آنهاست انسانهایی که دارای روحیه خشنی هستند بیشتر احتمال دارند به ارتش بپیوندند تا به یک صومعه همچین مردم اهل فکر و اندیشه بیشتر احتمالاً عکس این عمل کنند

فرهنگ و سنت: فرهنگ سنت را می سازد و سنت ها تنها به مردم می گوید که در گذشته چه چیزهایی موثر بوده است بلکه انتخاب رفتارهایی را که در زمان حال نیز موثر اند برای انسان آسان می کند.

رسوم: رسوم محیط اجتماعی را قابل پیش بینی می کند. مثلاً اگر وارد یک واقعه اجتماعی شوید و با رسوم آشنا باشید می دانید که چگونه رفتار کنید معمولاً اگر آنطور عمل کنید که رسم است نگاه های کمتری متوجه تان خواهد شد.

اسطوره ها: نشان می دهند که در گذشته چه روی داده است و چرا جادو احساس کنترل بر حال و آینده را القاء می کند. حتی اگر نوع خاصی از جادو موثر نشود باز هم اعتقاد به آن احساس خوبی بر انسان معتقد به آن ایجاد می کند و معمولاً برای موثر واقع نشدن آن می توان توضیحی یافت که باور را تقویت تقویت کند.

هنجارها: به ما می گوید که چه رفتارهایی در گذشته موثر بوده اند و به ما اطمینان می بخشد که در آینده نیز موثر خواهد بود.

ارزشها: انسانها را به سوی جنبه هایی از محیط که باید به آنها توجه شود و همچنین به اهدافی که به آنها برسند هدایت می کند ارزشها در عین حال ملاکهای را فراهم می کنند که مردم می توانند برای ارزیابی رفتار خود و دیگران از آن استفاده کنند. بطور خلاصه فرهنگ برای راههای انتخاب و کسب اطلاعات توسط انسانها روش تفسیر آنها و روشی که اطلاعات را مورد استفاده قرار می دهند اثر می گذارد. در برخی از مواد می توان با جایگزینی رسوم به جای تفکر در وقت صرفه جویی کرد بطور مثال تصور می کنیم که چقدر مشکل بود هر بار که می خواستیم سوار اتومبیل خود شویم مجبور بودیم تصمیم بگیریم بر کدام سمت جاده رانندگی کنیم.

جنبه های اتیک و امیک:

انسانها در سطح بسیار وسیع زیست بوم های مشترکی دارند و در محیط های فیزیکی و ساختارهای مشابهی زندگی می کنند این ها شباهت های عمده ای را می سازند و بنابراین شباهت های فرهنگ را شکل می دهند. اما در درون این چارچوب شباهت ها، تفاوت هایی نیز وجود دارد این اتفاق در زبان نیز رخ می دهد.

فونوتیک^{۱۱}

به صداهایی می پردازد که در همه زبان ها وجود دارد اما صداهایی هستند که تنها در یک زبان موجود است پایک که زبان شناس است دو سیلاب آخر امیک^{۱۲} و اتیک^{۱۳} این عبارت را برداشت و اتیک را بعنوان عناصر فرهنگ عمومی و جهانی و امیک را بعنوان عناصر ویژه و منحصر به فرد فرهنگی اگر عناصر امیک تطابق های عملی عناصر اتیک تلقی می شوند بسیار سودمند خواهد بود برای مثال همه انسان ها داشتن فاصله اجتماعی را از گره های بیگانه تجربه می کنند یعنی نسبت به خانواده و خویشان کسانی که آنها را متفاوت از خود می بینند اما اساس فاصله اجتماعی اغلب یک ویژگی امیکی است در برخی از فرهنگ ها این ویژگی امیکی تنها بر قبیله استوار است در مجموع می توان گفت که فاصله فرهنگی اتیک است اما اختصاص تشریفات مذهبی بعنوان یک فاصله امیک است بطور خلاصه زمانی که ما فرهنگ را بخاطر خود آن فرهنگ مطالعه می کنیم می توانیم روی عناصر امیک تمرکز کنیم اما زمانی که می خواهیم فرهنگ ها را باهم مقایسه کنیم باید روی عناصر اتیکی فرهنگ کار کنیم.

فرا اندامواره بودن فرهنگ:

¹¹ - Phonetics

¹² - Emics

¹³ - Etics

فرهنگ فرا اندامواره است یعنی متکی به فرد خاصی نیست و اعضاء می آیند و می روند اما فرهنگ کم و بیش ثابت می ماند برای مثال در کشور یونان در یک دوره زمانی در قرن بیستم جوانان در ساعتی خاص که به آن عمل سرجیانی می گفتند در ناحیه ای از شهر در طول خیابان به بالا و پایین قدم می زدند و این امکان را می یافتند تا فردی را که ایشان از نظر آنها جذاب می نمود و بیشتر جلب توجه می کرد شناسایی کنند در طول این فعالیت مجموعه مشخصی از این رفتارها اغلب به یک قرار ملاقات خصوصی منجر می شد که گاهی هم به نامزدی رسمی می انجامید. ۵۰ سال بعد هم این امر در بین نوجوانان و جوانان مشاهده میشود یعنی همان قدم زدن در همان ساعت و همان مکان اما مردم دیگری بودند در واقع فرهنگ در حد بسیار ناچیزی تغییر کرده است.

فرهنگ پذیری

فرهنگی شدن در حقیقت هماهنگی و انطباق فرد با کلیه شرایط و خصوصیات فرهنگی است. در واقع فرهنگ دربرگیرنده تمام چیزهایی است که ما از مردم دیگر می آموزیم و تقریباً اعمال انسان مستقیم و یا غیرمستقیم از فرهنگ ناشی می شود و تحت نفوذ آن است و دو دسته دارد:

الف- فرهنگ پذیری یکسویه

ب- فرهنگ پذیری دوسویه

یکسویه: مربوط به کودکان می شود و به این دلیل است که کودک درمقابل پذیراشدن ارزش های جدید منفعل است یعنی آنکه جریان تاثیر ارزش ها یک طرفه و تنها از جانب جامعه به سوی کودک است و او مقاومتی در برابر ارزش ها از خود بروز نداده و نمی تواند بر جامعه تاثیر متقابل داشته باشد. کودک به تدریج و ابتدا از طریق خانواده به عنوان میانجی با ارزش ها و آنهاها و واقعیت های اجتماعی آشنا می گردد.

دوسویه: جریان فرهنگی شدن در بزرگسالان است. بدین معنا که در مورد افرادی مصداق دارد که شخصیت آنان تکوین یافته و دارای فرهنگ پیش بینی باشند در چنین حالتی فرهنگ پذیری تبدیل به جریانی پیچیده می شود و فرهنگ جدید به سهولت فرد را تحت سلطه و تاثیر خود قرار نخواهد داد.

اهمیت و نقش فرهنگ در جامعه:

هر جامعه ای از طریق فرهنگ به منصفه ظهور می رسد. فرهنگ وسیله ارتباط فرد را در زمینه های مشابه فراهم می سازد. فرهنگ انسان را قادر می سازد که با دیگران از طریق زبان ارتباط بیشتری برقرار نماید و تعامل، جلوه بارزتری داشته باشد. فرهنگ شکل دهنده به محیط و زمینه ساز تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تکنولوژی است. امروزه دگرونی های فرهنگی مسیر جوامع را هدایت می کند، لذا انتقال فرهنگ گذشته به آیندگان و نیز نوآوری فرهنگی از مهمترین اقداماتی است که می تواند از زوال جامعه جلوگیری کند.

تعاریف رفتار:

اعمالی که ما در زندگی روزمره انجام می دهیم، از یک جنس نبوده و از یک شکل برخوردار نیستند، همچنین اهداف مشخص و مشابهی را در بر ندارند. از منظر روان شناسی، هر حرکتی اعم از ارادی یا غیر ارادی که انسان در طول زندگی روزمره، بدون تعمق و بدون پیشینه و فقط بر اساس نیاز انجام می دهد(مانند خاراندن سر) نوعی رفتار است.

انواع رفتار:

۱- رفتار اجتماعی: که از فرد یا گروه نسبت به کسی یا چیزی در چارچوب فرهنگ مادی یا غیر مادی سر می زند.

۲- رفتار جمعی: وقتی به وجود می آید که شیوه های عمل سنتی و رسمی، دیگر با الگوهای بدون ساختار، خودانگیخته، عاطفی و پیش بینی ناپذیر مشخص می شوند و هر گونه محرک پیش بینی نشده و ناپایداری می تواند، افراد را به واکنش های رفتار جمعی تحریک کند. شورش ها، غوغاها، شیفتگی و وحشت زدگی ها، نمونه های رفتار جمعی هستند.

رفتار اجتماعی:

انسان از طریق اجتماعی شدن، اعتقادات، گرایش ها، ارزش ها، هنجارها و عادت ها را از فرهنگ کسب می کند. فرد از طریق اجتماعی شدن در باره فرهنگ می آموزد. معمولاً فرد رفتارهای خود را بر اساس نقش و هویتی که

در جامعه به دست می آورد، تنظیم می کند. بعبارت دیگر، انسان در درون اجتماع زندگی می کند و لاجرم رفتارهایی که از او سر می زند، بخشی از آنها در ارتباط با تعاملات اجتماعی است و یا به نحوی از طرف عوامل اجتماعی تحت تاثیر قرار می گیرد به طوریکه رفتار یک فرد در تنهایی متفاوت از رفتاری خواهد بود که در مجموع از خود نشان می دهد رفتار اجتماعی یعنی هر رفتار فرد متضمن کنش متقابل دو یا چند انسان باشد. نیاز به کسب حمایت و امنیت شاید اولین نشانه نیازمندی فرد به عوامل بیرونی است، لبخند اجتماعی را که در حدود ماه های اول زندگی در نوزاد دیده می شود کارکرد عمده آن جلب توجه اطرافیان و برقراری یک نوع ارتباط ساده اجتماعی است. نیاز به دوست داشتن نیاز به حمایت و کسب امنیت (نیازهای مازلو) ارضای این نیازها در ارتباط فرد با جامعه میسر خواهد بود.

رفتار اجتماعی در دوران مختلف زندگی

ظهور و بروز رفتار اجتماعی از همان ماه های اولیه زندگی آغاز می گردد و نوزاد در ایجاد ارتباط با افراد خانواده و بستگان دیگر گسترده تر عمل می کند. در دوران کودکی در حدود چهار - پنج سالگی کودک توجه خاصی به همسالان خود پیدا می کند و علاقمند ارتباط بیشتری با آنهاست و در دوران مدرسه با علاقمندی بیشتری به برقراری روابط اجتماعی دارد. رفتارهای اجتماعی در این دوران عمدتاً از طریق بازی نمود پیدا می کند. کودک از این طریق رفتارهای جدیدی می آموزد و در موارد زیادی آنها را در رفتارهای اجتماعی خود منعکس می سازد.

در دوران نوجوانی گرایش فرد به گروه های اجتماعی بیشتر و بیشتر می شود فرد علاقه شدیدی به برقراری روابط اجتماعی از خود نشان می دهد به عضویت گروه های مختلف درمی آید و در تعامل با این گروه ها رفتار های اجتماعی خود را شکل می دهد. در سنین بعدی رفتارهای اجتماعی پخته تر شده اند. فرد با انتخاب شغل، ادامه تحصیل و.... رفتارهای گسترده تر اجتماعی پیدا می کند.

خانواده و رفتار اجتماعی:

هر فردی تحت تأثیر خانواده، فرهنگ جامعه را می آموزد. اجتماعی شدن به عنوان یکی از فرآیندهای مهم زندگی بشر، پیش از همه در محیط کوچک خانواده رخ می دهد. از آنجایی که نظام های خانواده بسیار متفاوت هستند، دامنه تماس هایی که کودک تجربه می کند به هیچ وجه در فرهنگ های مختلف یکسان نیست. مهمترین ریشه های رفتار فرد در نخستین دوره زندگی یعنی از دوران نوزادی است. در جوامع امروزی، اجتماعی شدن بیش از همه، در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می دهد. بیشتر کودکان، نخستین سال های زندگی خود را در درون یک واحد خانوادگی شامل مادر، پدر و شاید فرزندی دیگر سپری می کنند. یکی از کارکردهای خانواده، اجتماعی کردن فرزندان است که بر اثر آن فرزندان خانواده برای زیستن در جامعه آموزش می بینند.

آموزش و پرورش و رفتار اجتماعی:

مدارس با تأکید بر یادگیری ارزش ها، نگرش ها و عادت ها، تأثیر زیادی بر رفتار اجتماعی فرد دارند. به نظر امیل دورکیم، آموزش و پرورش، وسیله سازماندهی خود فردی و خود اجتماعی، بصورت یک موجود با نظم

است که می توان آن را به تشکیل شخصیت و تولد اجتماعی فرد تعبیر کرد. « جامعه پذیر کردن کودکان، انتقال سرمایه های فرهنگی به نسل بعدی، آماده کردن نوجوانان برای مشاغل و حرفه ها، یکپارچگی جامعه و »

اصول رفتار و رفتار اجتماعی

ما در تماس ها و ارتباطات اجتماعی که بین ما به وجود می آید با یک رفتار اجتماعی سروکار داریم مثلاً شیوه غذا خوردن در جامعه ما در مقایسه با ملت های دیگر متفاوت است این نوع رفتار اولاً از قاعده و قانون خاصی تبعیت می کند ثانیاً تقریباً در افراد درونی و نهادینه شده است به این جهت رفتار دائمی است مانند شکل غذا خوردن که هم در جمع و هم در خلوت و تنهایی به یک شکل می خوریم. اما زمانی که ما در جماعتی وارد می شویم یا در جمعیتی قرار می گیریم در این موقعیت ما رفتاری شبیه به دیگران داریم که این رفتار الزاماً دارای ماهیت یکسانی نیست بلکه موقتاً مشابه دیگران است. مانند وقتی که وارد مجلس شادی می شویم طبیعت آن مجلس ایجاب می کند و از ما انتظار دارد که چهره ای غمگین از خود نشان ندهیم بلکه شاد باشیم هرچند ممکن است که ما به دلایلی غمگین باشیم. چنین رفتاری، رفتار جمعی است بنابراین رفتار جمعی رفتار موقتی است. هر فضای فیزیکی و جغرافیایی دارای هویت فرهنگی است.

سبک زندگی و رفتار اجتماعی:

سبک زندگی روش نوعی زندگی فردی، گروه یا فرهنگ، یا روش خاصی از زندگی فرد یا گروه است. در واقع شیوه زندگی یا سبک زندگی منعکس کننده گرایش ها و ارزش های فرد یا گروه است. عادت ها، نگرش ها،

سلیقه ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و ... که با هم طرز زندگی فرد یا گروه را می سازد. در واقع سبک زندگی رفتار و منش نیست بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می کند و خود بواسطه خوی ها و منش های فردی شکل می گیرد.

فرهنگ و رفتارهای اجتماعی مطلوب:

رفتار اجتماعی مطلوب در سطح فردی و مسؤولیت مشترک در سطح اجتماعی با ارزش هم دردی ارتباط نزدیک دارند. تحقیقات نشان می دهد که پرداختن به رفتارهای اجتماعی مطلوب در دراز مدت در بین جوامع، به میزان وسیعی با یکدیگر متفاوت است. این نشان می دهد که در فرضیه رفتارهای اجتماعی، تفاوت های عظیم فرهنگی وجود دارد. «عوامل مؤثر در فرهنگ و رفتار اجتماعی عبارتند از:

- ۱- تفاوت های فرهنگی
- ۲- جنسیت
- ۳- مکان جغرافیایی
- ۴- موقعیت اجتماعی (شغل، تحصیلات، درآمد و اصل و نسب)
- ۵- وابستگی های مذهبی
- ۶- ویژگی های شخصی
- ۷- والدین
- ۸- هنجارها

اهمیت رفتار اجتماعی

عضویت در گروه های مختلف و ارزش های اجتماعی متفاوت، به همان میزان در رفتار و کردار این شخص با افراد دیگر تفاوت های چشمگیری به وجود می آورد. البته خط مشی های آموزشی و تربیتی تا حد بسیار تحت تاثیر فرهنگ یک جامعه است بنابراین لازم می شود برای فهم رفتار اجتماعی به زمینه ی فرهنگی و اجتماعی جامعه ای که افراد در آن زندگی می کنند توجه داشته باشیم.

نهاد اجتماعی

نظام سازمان یافته از روابط اجتماعی که مبتنی بر ارزش ها و رویه های عمومی معینی است که نیازهای اساسی خاصی از جامعه را برآورده می سازد. ارزش های عمومی به اعتقادات و هدف های مشترک افراد جامعه اشاره می کند. رویه های عمومی حاکی از شیوه های رفتار اجتماعی پذیرفته شده معینی است که افراد و گروه های جامعه از آن پیروی می کنند. نهاد ها (موقعیت شغلی) اعضای خود را از پایگاه اجتماعی خاصی برخوردار می سازند، به این معنی که مردم جامعه راجع به منزلت اجتماعی افرادی که در آنها عضویت دارند باور قائل می شوند.

تکنولوژی و رفتار اجتماعی

علم و تکنولوژی با همه برکاتی که برای بشر داشته است. پیامد های منفی ناخواسته ای نیز دامنش را آلوده که هرچند بر سرمستان از تکنولوژی رخ نموده ولی از چشمان تیزبین اندیشمندان نیز از آن پنهان نشده است. آنچه در نظر اول از تکنولوژی برای اغلب انسان ها ترسیم می شود چهره دوستی قابل اعتماد و مفید است. تکنیک وضعیت زندگی را آسان تر تمیز تر و طولانی تر ساخته و نعمت های بی شماری را به ما ارزانی داشته

است. رشد غیر قابل کنترل آن زندگی و حیاط انسانی را تهدید می کند مبانی اخلاقی را از فرهنگ زدوده و روابط عاطفی و ارزش های انسانی را سست می نماید. فرهنگ متاثر از تکنولوژی به ما می فهماند که تکنولوژی برای ما هم دوست و هم دشمن است.

تاثیر تکنولوژی بر فرهنگ و ارتباط آن با جهان سمبل ها و عادات روحی و روانی یک جامعه غیر متعارف و غریب نیست. مارکس معتقد است که از رهگذر تاثیرات تکنولوژی فرم ها و روابطی در جامعه پدیدار می گردد که مبانی اندیشه و خلیات آن جامعه را متاثر ساخته و حتی ساختار روانی و اجتماعی موجود را تغییر می دهد. وی در جای دیگر می نویسد: « تکنولوژی نوع رفتار و ارتباط انسان را با طبیعت تعیین می کند و نیز تعیین کننده ی کیفیت رابطه ی انسان ها با یکدیگر است.» این تاثیر تکنیک را حتی می توان به ساده ترین و ابتدایی ترین و طبیعی ترین ابزار مورد استفاده بشر یعنی زبان نیز تعمیم داد. نکته قابل توجه این است که تاثیر علم و تکنولوژی را از قبل نمی توان فهمید و کنترل کرد. حتی صاحبان یک تکنیک و مخترعین یک صنعت به میزان بسیار ناچیزی قدرت هدایت و کنترل تاثیرات اجتماعی روانی و حتی عقیدتی تکنیک اختراعی خود را دارا هستند.

هیچ جامعه و اجتماعی امروزه نمی تواند خود را از درگیری و تکنیک دور نگاه دارد و از آثار مثبت آن محروم سازد. مسئله این است که در برخورد با تکنیک باید خردمندانه و هوشیارانه عمل کرد نه بی توجه و غافل.

این انسان است که باید بر ماشین حکومت کند و نه بر عکس. برای شناخت بهتر عواقب تکنولوژی توجه به این نکته اساسی ضروری است که معمولاً فن و تکنیک یک وسیله خنثی و بی طرف نیست که فواید و مضرات آن بستگی به نحوه ی کاربرد آن داشته باشد. نوع و روشی که در کاربرد یک تکنیک موجود است عمدتاً بستگی به

ساختمان و ذات همان فن و تکنیک دارد به عبارت دیگر نقش و کاربرد هر تکنیک از فرم آن نشات می گیرد و با هر وسیله ای به هر هدفی نمیتوان رسید. تکنولوژی جهت دار است در هر وسیله و ابزاری یک تمایل درونی و گرایش عقیدتی وجود دارد که جهان را آن طور که این وسیله و تکنیک ایجاب می کند بسازیم و بشناسیم و نه جور دیگری.

تکنولوژی ها در واقع معانی و تعاریف متداول و قدیمی را چندان دستخوش دگرگونی می سازد که حتی به حوزه خودآگاهی ما نیز خطور نمی کند و در دراز مدت به مذهب، هنر، خانواده، سیاست، تاریخ، حقیقت، حوضه شخصی افراد، هوشیاری و روشنفکری، اطلاعات، دانسته ها، افکار عمومی و . . . مفاهیمی دیگر می دهند. جامعه و اجتماع معانی دیگر پیدا می کند. با این وصف انسان ها در جهان مدرن چنان مجذوب اعجاب آفرینی ها و شگفتی های ماشین می شوند که انگیزه ها و ایده های نهفته و ذاتی آن ها را اصلاً مورد توجه قرار نمی دهند.

تکنولوژی های مهم همواره دانشی انحصاری را برای بهره مندان از خود پدید می آورند و بدین ترتیب این کسان خواسته یا ناخواسته و به تدریج صاحب اقتداری ویژه و تسلطی انکار ناپذیر خواهند شد. عمدتاً به این دلیل که دیگران برای دارندگان قدرت و اطلاعات انحصاری این تکنولوژی ها نوعی خردمندی و شعور برتر قائل هستند.

در یک جامعه ی فن سالارانه ابزار و آلات نقش کلیدی را در جهان اندیشه های فرهنگی آن جامعه بر عهده دارند. همه شرایط تحولات خواسته ها و همه ویژگی های اجتماعی باید تا حدود زیادی تابع خواسته ها و ضوابطی باشد که رشد این ابزارآلات و سیر تحولی و تکاملی آن ایجاب می کند در این جامعه ابزار و تکنیک در اجتماع و فرهنگ هضم نمی شود بلکه به آن هجوم می برد و خود بر آن است که به فرهنگ تبدیل گردد. در اینجاست که باید سنن، آداب، عقاید، سیاست، مقررات و حتی مذهب برای بقای خود وارد نزاع شود. از زندگی

جمعی و شرایط اجتماعی آن گرفته تا دنیای مفاهیم و سمبل ها همه تابع متغیر خواسته های جبری و توقعات ناشی از سیر تکاملی تکنیک ها می باشد.

اقوام و رفتار اجتماعی

اجتماعی شدن با قوم شناسی ارتباط کامل دارد جدا کردن فرد از جامعه و رسوم فرهنگی بسیار دشوار است. رفتارهای فردی که ما در خود و پیرامون خود می بینیم تنها با توجه به ویژگی های فرهنگی خاص و روح کلی تمدن، معنی و مفهوم پیدا می کند. در گذشته روان شناسان غربی انواع رفتارهای انسان را مورد مطالعه قرار می دادند و چنین فکر می کردند که نتایج مطالعاتشان در همه جوامع بشری صادق است در صورتی که کم کم به این نتیجه رسیدند که چنین نیست. اجتماعی شدن بررسی ماهیت و طبیعت اجتماعی افراد است، انسان یک موجود اجتماعی است و به همین علت اعمال و افکارش تحت تاثیر دیگران قرار می گیرد. ما باید از واقعیت طبیعی قوم مداری بر اساس ملاک های فرهنگ خودی و فرهنگ دیگران درکی صحیح پیدا کرده و سپس قضاوت کنیم. هرگز نباید بگوییم فرهنگ ما برتر است چرا که این می شود تعصب. باید بیاموزیم که از بهترین دستاوردهای بشری قدردانی کنیم بدون توجه به اینکه به کدام فرهنگ تعلق دارد و آن دسته از مهارتهایی را که ارتباط اجتماعی موفقیت آمیز بین فرهنگ ها را تقویت می کند فراگیریم.

اثرات پوشش بر رفتار اجتماعی

پوشاک بارزترین سمبل فرهنگی، مهم ترین و مشخص ترین مظهر قومی و از نشانه های فرهنگی است که به سرعت انتقال می یابد و به سرعت تحت تاثیر پدیده های فرهنگی در بین جوامع گوناگون انسانی قرار می گیرد. حتی عده ای را عقیده بر آن است که استیلای فرهنگی و سلطه پذیری در آغاز از طریق انتقال پوشاک صورت می گیرد و حتی می توان با تغییر پوشاک یک جامعه، نوع معیشت و ساختار اجتماعی آن را متغییر کرد. فرهنگ هر ملتی آینه ای است که اگر در آن بنگریم نوع پوشش افراد آن جامعه را می بینیم. مبادی آداب بودن و نوع فرهنگ و حتی ملیت یک فرد را می توان از نوع پوشش او تشخیص داد. لباس ما و شخصیت ما را شکل نمی دهد اما لباس اغلب پایه ای برای قضاوت اولیه در مورد فرد است. تاثیر گذاری بر دیگران از طریق پوشیدن لباسی خاص نیز امکانپذیر است.

فرهنگ و باروری، تولد نوزاد:

یکی از عوامل بسیار مهمی که در باروری تأثیر گذار است، فرهنگ مردم یک جامعه می باشد. کاهش یا افزایش باروری ارتباط مستقیم با ارزش ها و باورهای فرهنگی دارد. تمایل به داشتن فرزندان با جنس خاص به افزایش تعداد زاد و ولد می انجامد. یکی دیگر از عوامل فرهنگی که در افزایش یا کاهش باروری تأثیر گذار است، میزان آگاهی و دانش خانواده ها در ارتباط با تربیت و اجتماعی کردن فرزندان است. «از جمله عوامل فرهنگی که مانع کنترل زاد و ولد می شوند، جبر گرایی و تقدیر گرایی است.»

تأخر فرهنگی و رفتار اجتماعی:

فرهنگ پیوسته در حال تغییر است، حتی فرهنگ های به ظاهر ایستا و بسته نیز در حال تغییر می باشند، و به دلیل آنکه الگوهای فرهنگی و عناصر فرهنگی جامعه با هم پیوستگی دارند، تغییر در بخشی از فرهنگ موجب تغییر در بخش دیگر فرهنگ نیز خواهد شد. اما گاه زمان زیادی طول می کشد تا بخش های مختلف فرهنگ با هم به تعادل و تطابق برسند. تحولات سریع عصر ما سازش و تطابق اجتماعی را دشوارتر کرده است. بخصوص اگر تکنولوژی خارج از فرهنگ یک جامعه باشد و قبل از فرهنگ سازی و رشد فرهنگی مردم در زمینه تکنولوژی خاص، وارد جامعه شود، به عبارت دیگر توسعه از نوع برون زا باشد.

فرهنگ و مصرف گرایی:

جامعه مدرن امروز روز به روز به سمت مصرف گرایی پیش می رود. ورود جریان مدرنیته و تقابل آن با سنت و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طی حداقل صد سال گذشته ایران و فرآیندهای نوسازی طی این دوران از جمله عوامل ظهور جامعه مصرفی در ایران است. نقش زنان در این امر بسیار پر اهمیت است. از وسایل منزل گرفته تا نوع پوشش، آرایش و بدن آرایی و جراحی های پلاستیک غیر ضروری تا مصرف گرایی در مواد غذایی، فرزندان، خانواده و ... از وجوه فرهنگ مصرفی در ایران امروز است. البته رسانه ها در این امر نقش مهمی ایفا می کنند. از اینترنت گرفته تا ماهواره، حتی کانال های تلویزیونی، مجله ها، روزنامه ها و غیره با تبلیغات متعدد در مصرف گرایی خانواده تأثیر می گذارند.

مصرف و طبقات اجتماعی:

در مورد مصرف کشورهای جهان سوم می توان اذعان داشت، طبقات تقریباً سه گانه اجتماعی به مصرف گرایی بی رویه عادت می کنند، اما به شکل هایی متفاوت. اعضای طبقه بالا، با داشتن ثروت، عمدتاً به دنبال کالاهای لوکس هستند، زیرا احساس می کنند با مصرف این کالاها از پرستیژ بالایی برخوردار خواهند شد. اعضای طبقه متوسط، همیشه سعی می کنند که خود را از طبقات بالا عقب تر نبینند، لذا با درآمد پایین تر به رقابت با طبقه بالا می پردازند. همچنین اعضای طبقات پایین جامعه با درآمد کم، با توجه به کمبودها و عدم امنیت اقتصادی برای خانواده، به خریدی بی رویه و انبار گونه اقدام می کنند.

حقوق و قوانین روابط اجتماعی

یکی از مهم ترین راه های تنظیم روابط اجتماعی، وجود قوانین و مقررات و عمل به آنهاست. ورود به سن قانونی برای افراد ایجاد تکلیف می نمایند که حتماً باید جهت شناخت و آگاهی کامل از حقوق خود و دیگران به رعایت قوانین و روابط اجتماعی بپردازند. در هر جامعه ای برای ایجاد نظم تکالیفی بر عهده اشخاص آن جامعه گذاشته می شود مانند دریافت مدرک پزشکی برای طبابت و یا حق قانونی رانندگی برای کسی که گواهینامه گرفته است. همچنین برای افراد به واسطه قرار گرفتن در زندگی اجتماعی مسئولیت هایی مطرح است:

۱- **مسئولیت در مقابل وجدان:** مسئولیت انسان در مقابل وجدان، مراقبت برحسب رفتار و پاکسازی خود از صفات رذیله مانند تکبر و نیت بد و مسخره کردن دیگران است.

۲- **مسئولیت در مقابل جامعه:** مسئولیت انسان در قبال جامعه این است که به جامعه خود خیر برساند و شرها و بدی ها را از کشور و اجتماع خود دفع نماید.

مراحل مسئولیت انسان در قبال جامعه دو مرحله است: اول باید خودسازی کند و خود کارهای نیکو و شایسته ای انجام دهد و دوم اینکه دیگران را به کارهای شایسته و نیک دعوت نماید و از ناشایست بازدارد.

فرهنگ، قانون گریزی و قانون ستیزی:

قانون و قانون گریزی در جوامع گوناگون دارای پیشینه تاریخی است. قانون گریزی یک ناهنجاری اجتماعی است که اگر آنها دینه شود امکان توسعه، پیشرفت و رشد در جامعه وجود نخواهد داشت. "امیل دورکیم" می گوید: هنجارها آنچه را که عمل و تلاش ارزشمند است، مشخص می کنند. به همین دلیل زمانی که هنجارها، اعتبار خود را در نزد مردم از دست بدهند مردم به قانون شکنی و هنجار شکنی رو می آورند. "رابرت مرتون" نیز می گوید: زمانی آنومی بوجود می آید که مردم نتوانند به اهداف مورد نظر، از طریق ابزار و وسایل معمول دست یابند.

رسانه، فرهنگ، رفتار اجتماعی:

رسانه های اجتماعی به منزله بخشی از سیستم فرهنگی هستند که بصورت دورانی در بستر تاریخ اجتماعی، به طور مستمر به تولید، بازنمایی و مصرف رسانه های نمادین می پردازند. "هارولد لاسول" مدعی بود که رسانه های جمعی چهار کارکرد اصلی برای جامعه انجام می دهند:

- ۱- بر محیط مراقبت دارند.
 - ۲- واکنش ها را به اطلاعات پیوند می زنند.
 - ۳- ایجاد سرگرمی می کنند.
 - ۴- فرهنگ را به نسل آینده منتقل می کنند.
- در واقع یکی از کارکردهای مهم رسانه های جمعی، اجتماعی کردن افراد است.

از دیدگاه راجرز رسانه های ارتباطی جدید دارای ویژگی های زیر می باشند:

- ۱- تعاملی بودن (دوسویه)
- ۲- جمع زدایی
- ۳- ناهمزمانی
- ۴- اضافه بار اطلاعاتی
- ۵- پوشیدگی (حریم - خلوت)
- ۶- عدم تمرکز (تمرکز زدایی)

«رسانه ها در بسیاری از رفتارها، تکیه کلام، پوشش، آرایش و سبک زندگی افراد تأثیر گذار هستند و تقریباً تبدیل به بخشی از زندگی افراد جامعه شده اند.»

شایعه و رفتار اجتماعی:

وقایع و حوادث مبهمی که اطلاعات دقیق و درستی در باره آن وجود ندارد و اطلاعات ناقص یا متناقض در باره آن در جامعه باعث شکل گیری اخبار نادرست و غیر واقعی می شود که به آن شایعه می گویند. به طور کلی علت اصلی شایعه، بی اطلاعی مردم از وقایع ملموس است. در چرخش شایعه نوعی همانند سازی فرهنگ وجود دارد.

میزان پذیرش شایعه ریشه در فرهنگ مردم دارد(مردمی که قوت تفکر کمتری دارند یا در یک جامعه آنومیک زندگی می کنند شایع را بیشتر پذیرا هستند).

اصول صحیح روابط میان فردی:

بسیاری از رفتارها در جامعه مورد پسند است و موجب می شود ارتباطات فرد مؤثرتر و نافذتر باشند. مثلاً:

- ۱- بسیار ضروری است که افراد یک جامعه با نزاکت رفتار کنند.
- ۲- کت و شلوار یا مانتو شلوار رسمی باید با دقت اتو شده و بدون لک باشد، البته لباس غیر رسمی نیز باید تمیز، بدون لک و آراسته باشد.
- ۳- در جیب بالا و بیرونی کت یا ژاکت یا پیراهن نباید خودکار، مداد یا عینک ، شانه و دیگر اقسام مشابه به گونه ای که مشخص باشد قرار داد.
- ۴- در خیابان نباید به اطراف خیره شد یا افراد و اشیاء را با انگشت نشان داد. ۵- در معاشرت افراد با یکدیگر، شیوه صحبت کردن و مهارت های سخت گفتن از ضروریات است.
- ۶- انتقاد کردن با صدای بلند در جمع (از شخص) پسندیده نیست.
- ۷- خمیازه کشیدن با دهان باز، سرفه کردن و عطسه کردن در جمع جایز نیست و باید به گونه ای پاننهانی صورت گیرد.
- ۸- برای دست دادن به کسی حتماً به او نگاه کنید.
- ۹- اگر با شخص یا گروهی صحبت می کنید ضروری است که به شخص یا همه افراد نگاه کنید.

۱۰- برای ایجاد عواطف خوشایند، از کلمات تضعیف کننده و منفی پرهیز شود و از کلمات نیروبخش و مثبت استفاده شود.

۱۱- فاصله یا حریمی که با شخص یا گروهی صحبت می کنید را رعایت کنید.

۱۲- تلفظ کلمات اهمیت زیادی دارد، باید کلمات را درست و واضح بر زبان آورد.

۱۳- به هنگام غذا خوردن سعی شود لقمه های کوچک در دهان بگذاریم و تا زمانی که لقمه در دهان است وارد صحبت نشویم.

ویژگی های فرهنگی و رفتار اجتماعی ایرانیان باستان:

"هانری رنه" آلمانی، بر این باور است که ایرانی ها در ذات خود نسبت به سنت ها و آداب دیرین خود دلبستگی تام دارند و در تمامی دگرگونی هایی که بر اثر تهاجم و یورش بیگانگان به این سرزمین روی داده، ایرانی همیشه کوشیده است که به سنت ها و عادت ها و رسم فاتحان توجه نکند، بلکه آن ها را به آداب و رسوم خود آشنا و سپس آنان را در فرهنگ جامعه خود حل کرده است.

"ویلیامز جکسون" می گوید: وقتی سرگرم سیاحت بودم نکته هایی درباره آداب و معاشرت محلی که بسیار جالب و جذاب و آمیخته با تعارفات فراوان است دریافتم که ایرانی ها مردمانی اجتماعی هستند و در معاشرت و رفتارهای اجتماعی بی آنهایت مؤدب هستند.

ویژگی های رفتاری ایرانیان در قرون اخیر:

فرهنگ غنی ایرانیان دچار آسیب های فراوانی شده است و به سوی رفتارهای منفعت طلب و فردگرا سوق داده شده است. در واقع آسیب هایی که در سال های اخیر به فرهنگ ایرانی وارد شده است قابل مطالعه و بررسی است که توجه به آن ها ما را به لزوم رفع و اصلاح آنان حساس خواهد کرد.

آداب و رفتار اجتماعی در اسلام

آزادی از مسایل اولیه در زندگی انسان است. اسلام آزادی را برای انسان تضمین نموده است ولی در همه قوانین اسلام و به خصوص در قانون هایی که بازدارنده فرد از تعدی به دیگران است مانند حرام بودن غیبت و سخن چینی و آزار رساندن به دیگران و منت گذاشتن و مسخره کردن دیگران تاکید بر رعایت حقوق فردی است (آزادی فردی)

در اسلام زندگی خانوادگی جزئی از زندگی اجتماعی است و دارای نظام آسمانی یا قراردادی است که خانواده در تمام شؤون زندگی از آن پیروی می کند و خانواده باید اعضای صالحی را برای یک جامعه بزرگ تربیت نماید (آزادی خانوادگی)

از آنجا که یکی از تفاوت های انسان با حیوان ادب است و انسان در اثر درک حقایق ادب دارد هرچه انسان کامل تر می شود تربیت او نیز بیشتر می شود. آداب و رفتار اجتماعی، طرز برخورد انسانها، با یکدیگر، با حکومتها، با زبردستان، با فرزندان، پدرمادرها، و همسایگان و... براساس مقررات صورت می گیرد.

حقوق همسایگان

رفتار با همسایگان اهمیت زیادی دارد. چراکه با آنها بیشتر از اقوام و نزدیکان برخورد داریم و بی تفاوتی با آنها نشانه خودخواهی و نداشتن آشنایی با آداب معاشرت است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید حق همسایه آن است که اگر مریض شد عیادتش کنی و اگر از دنیا رفت در تشییع جنازه اش حاضر شوی و اگر از تو قرض خواست به بدهی اگر حادثه ی خوبی برای او رخ داد به تبریک بگویی و اگر مصیبتی دید به او تسلیت بگویی.

رازداری یکی از حقوق همسایگان است. و دیگر آنها:

- ۱- به هسایه سلام کند.
- ۲- او را معطل نکند.
- ۳- زیاد سوال نکند.
- ۴- به عیادتش برود.
- ۵- از اشتباهاتش درگذرد.
- ۶- از بالای بام درون خانه او را نبیند.
- ۷- راه خانه او را اشغال نکند.
- ۸- از استراق سمع بپرهیزد.
- ۹- اگر کمک خواست انجام بدهد و.....

حقوق خویشاوندان:

پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که با خویشاوندان خود رفت و آمد کند من به او نزدیک شده و ارتباط پیدا می کنم و هر کس با خویشان خود قطع رابطه کند از من جدا شده است.

امام رضا (ع) فرمود: بهترین صله ارحام آن است که از طرف تو آزاری به خویشانت نرسد صله ارحام عمر را زیاد می کند و دوستی میان خویشاوندان را استحکام می بخشد.

حقوق والدین و فرزندان:

خانواده به عنوان کوچک ترین مجموعه تشکیل دهنده جامعه در اعتلا و یا انحراف آن نقش موثری دارد.

الف - حقوق پدر و مادر:

احترام به حقوق والدین از حقوق انسانی است و از حقوق دائمی است نه از حقوق موقت. احساس محبت و دوستی به والدین در همه حال لازم است هرچند پدر و مادر خوب باشند یا بد، زنده باشند یا مرده. به انسان امر شده تا آنها را تواضع و فروتنی را گسترده باشد. همچنین از ما خواسته تا در گفتارمان نسبت آنها نهایت ادب را داشته باشیم. پیامبر(ص) فرموده حتی نباید پدر و مادر را به نام صدا زد و در راه رفتن از آنان سبقت گرفت.

ب- حقوق فرزندان:

- ۱- تربیت فرزندان و آموزش آداب اجتماعی.
- ۲- آشنایی فرزندان با احکام و خداشناسی.
- ۳- هدایت او در جهت اطاعت از فرمان خداوند.
- ۴- راهنمایی و کنترل فرزندان.
- ۵- انتخاب نام نیکو برای فرزندان.
- ۶- ایجاد تسهیلات لازم برای تحصیل علم.
- ۷- مهربانی با کودکان و محبت به آنها.

ارتباطات غیرکلامی و الگوهای رفتاری

اشخاص از طریق پیام های غیرکلامی خود سرنخ های زیادی را به ما می دهند یا نشانه هایی را در مورد هیجانات، خواسته ها، مقاصد، شخصیت و حتی پایگاه اجتماعی بروز می دهند. در هر فرهنگ و خرده فرهنگ بر اساس ویژگی حاکم بر خود، حرکات را به شیوه ی خاصی تعبیر و تفسیر کرده و از آنها معنی مورد نظر خود را جستجو می کنند مانند علامت دادن با دستی که دو انگشت سیابه و شست در نوک به هم چسبیده باشند در غرب به معنی وفق مراد است ولی در ژاپن معنی پول را می دهد.

بخش وسیعی از ارتباطات بدون استفاده از زبان صورت می گیرد. مردم به علائم فرازبانی وابستگی زیادی دارند مثلاً نگاه کردن یا نگاه نکردن مستقیم در چشم، لمس کردن یا لمس نکردن و..... رفتار انسانی را تعبیر می کند.

۱- **عواطف:** شواهد بسیار محکمی وجود دارد که نشان می دهند: عواطف کما بیش در سراسر جهان به یک شکل تجربه می شوند. به نظر می رسد که لذت، خشم، ترس، غم، تنفر و تعجب از عواطف اصلی هستند که در سراسر جهان به یک شکل درک می شوند چراکه غریزی هستند هرچند قواعد نمایش آنها شیوه ای کاملاً فرهنگی دارند.

۲- **تماس چشم با چشم:** نگریستن مستقیم در چشم فرد دیگر توسط اشخاص مختلف معانی متفاوت دارد گاهی نشانه گستاخی و گاهی نشانه توجه است. و مهمتر اینکه اگر نگاه چپ کردن صورت پذیرد نشان بی ادبی و جسارت است.

۳- تعیین فاصله: مطالعات واتسون نشان می دهد درجه بندی فاصله از اعداد کوچک تا بیشترین فاصله در

جوامع مختلف متفاوت است. در مجموع می توانیم مطمئن باشیم که در فاصله گرفتن از هم برخی تفاوت های

فرهنگی وجود دارد. پژوهش ها نشان می دهد آمریکاییان فاصله بیشتر و اعراب فاصله نزدیکتر را دوست دارند.

۴- سطح صدا: فرهنگ های مختلف از بلندی ویژه ای در محاوره استفاده می کنند. عرب ها از صدای بلند

استفاده می کنند و معتقدند صدقانه است و صدای ملایم گمراه کننده است و آمریکایی ها بسته به طبقه بندی

اجتماعی از صدای آرام تری استفاده می کنند. رسایی صدا و طنین مناسب و روانی سخنگویی می تواند مورد

قضاوت و تعیین شخصیت فرد قرار گیرد ولی لزماً ملاک نمی باشد.

۵- ایما و اشاره: ایما و اشاره مجرای بسیار مهم دیگری از ارتباطات را می سازد. برخی از آنها جهانی هستند اما

بیشتر آنها خاص فرهنگی هستند و تحت تاثیر تفاوت های فرهنگی قرار می گیرند. اشاره ای که در یک فرهنگ

شایسته است ممکن است در فرهنگ دیگر کاملاً ناشایست باشد مانند حرکات سر که هم بله است و هم نه. این

مهم است که بدانیم در یک فرهنگ یکسان نیز در دو زمان متمایز از هم معنی یک حرکت ممکن است تغییر

یابد.

۶- لامسه: لمس کردن به عنوان یکی از حواس پنج گانه مهم ما به حساب می آید و دارای ظرفیت بالایی می

باشد. پوست که در بردارنده ی گیرنده های حسی فراوانی است، می تواند فشار، درد، گرما و سرما را به راحتی

دریافت و به مغز انتقال دهد. عامل فرهنگ در استفاده از دست و لمس کردن از اهمیت بالایی برخوردار است و

نحوه گرفتن دست کسی در بین مردان در فرهنگ غرب که بندرت صورت می گیرد تعبیر ناپسند دارد ولی در

اعراب نشان صمیمیت است.

قانون گرایی و قانون شکنی در رفتار اجتماعی:

تقریباً هیچ کشوری نیست که در آن قانون وجود نداشته باشد اما اینکه آن قوانین چقدر اجرا و چقدر مورد احترام هستند به تربیت و فرهنگ آن جامعه بستگی دارد. در واقع تفاوت این دو مرحله وجه تمایز بین جوامع متمدن و غیر متمدن است.

حاکمیت قانون دارای دو وجه است:

یکی اینکه شهروندان جامعه در سطحی قرار بگیرند که قانون پذیری به ویژگی فرهنگی شان تبدیل شود ضمانت اخلاقی پیدا کند.

دوم اینکه مراجع و ارگان ها تطبیق و نظارت بر تطبیق قانون، به وجه احسن، در جامعه بنیانگذاری شوند تا تخلفات از قانون را مهار ساخته و جنبه عینی حاکمیت قانون را در جامعه به نمایش گذارند. و حتی واضعین قانون خود مکلف به پیروی از قانون باشند و حق تخلف از قانون برای هیچکس وجود ندارد.

از مهمترین اهداف قانون گذاری به وجود آمدن نظم و امنیت و تعیین حد و مرز اختیارات و وظایف افراد در روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قضایی از یک سو و تقویت روحیه تعاون و همیاری از سوی دیگر است.

این شهروندان منضبط و مقید به قانون هستند که باعث ایجاد مراحل رشد و توسعه جامعه و کشور خود می گردند. با این توصیف می توان گفت که اهمیت و نقش قانون پذیری از حیثه فردی فراتر رفته و ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی انسان ها را در بر گرفته است.

فرهنگ ذهنی و رفتار اجتماعی

ما بسیاری از رفتارهایمان را به دلیل احساسمان نسبت به آنچه برای ما شایسته است یعنی همان احساس اخلاقی انجام نمی دهیم. یکی از این عناصر مهم خودشناسی ما خودآثر بخشی است. خودآثر بخشی میزانی که شخص تصور می کند می تواند کاری را با وجود موانع و مشکلاتی که ممکن است او را از انجام کار بازدارد، انجام دهد، منعکس می کند. اگر شخصی فکر نکند که قابلیت یا توانایی رسیدن به هدف خاصی را دارد برای رسیدن به آن هدف حتی سعی هم نخواهد کرد مانند اگر فکر کنید فراگیری یک زبان خارجی فخر خوبی است اما فکر نکنید می توانید آن را فراگیرد احتمالاً تلاش هم نخواهید کرد. موقعیت، تعیین کننده بسیار مهمی برای رفتار است. نگرش ما نسبت به شخص دیگر مبتنی بر تجربیات پیشین ما و همچنین ارتباط ما با آن شخص است.

فرهنگ چیست ؟

فرهنگ مرکب از دو واژه فر + هنگ به معنای ادب ، تربیت ، دانش ، معرفت و آداب و رسوم است و اصطلاحاً به مجموعه ای از گرایش ها ، ارزش ها ، اهداف و اعمال مشترک که یک جامعه ، نهاد یا سازمان دارد تعریف شده است .

رفتار چیست و تفاوت آنرا با کردار بیان کنید ؟

واکنشی است که در برابر عمل یا کنش بیرونی از موجود زنده سر می زند .

کردار به معنای عمل و فعل است اما رفتار به معنای روش ، سیره ، رسم و طرز حرکت است و لزوماً یک طرف آن به دیگری ربط دارد . در کردار پای کسی در میان باشد و در رفتار برعکس ، به تعبیر دیگر کردار به معنای مطلق کنش اطلاق می شود خواه کنش فردی باشد خواه اجتماعی اما رفتار فقط به کنش اجتماعی اطلاق می شود .

چه علمی متکفل بحث فرهنگ و رفتار اجتماعی است ؟

این درس با مسائلی از قبیل روانشناسی ، جامعه شناسی ، مردم شناسی ، روانشناسی اجتماعی و ... در ارتباط است .

تفاوت خردمندی قومی با روانشناسی شخصیت ؟

خردمندی قومی بر مشاهدات داستان گونه و تغییرات ذهنی تکیه دارد در صورتی که روانشناسی شخصیت بر روی ویژگی ها ، خصوصیات و طرز تفکر فردی تمرکز دارد .

تفاوت جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی را توضیح دهید ؟

جامعه شناسی رفتار اجتماعی و تاثیرات آن را در سطح خیلی گسترده در نظر می گیرد در حالی که روانشناسی اجتماعی بر روی متغیرهای وابسته به موقعیت که بر رفتار اجتماعی اثر می گذارد تمرکز دارد . به عبارت دیگر مطالعه رفتار فردی را به روانشناسی ، جامعه را به جامعه شناسی و بالاخره فرهنگ را به مردم شناسی (انسان شناسی فرهنگی) اختصاص داده اند .

علم انسان شناسی چیست ؟

علم انسان شناسی یکی از گسترده ترین شاخه های علوم است زیرا هم جنبه های زیستی و هم جنبه های اجتماعی انسان را دربر می گیرد . به همین دلیل برخی از کشورها این علم را جزء علوم زیستی قرار داده اند و برخی دیگر جزء علوم اجتماعی و برخی از کشورها نیز انسان شناسی زیستی را از انسان شناسی فرهنگی جدا کرده اند .

علم انسان شناسی را تعریف کنید ؟

انسان شناسی بعنوان یک شاخه علمی به تمامی مسائل انسان همچون رفتار اجتماعی ، زمان ، نقش ها ، ارزش ها ، شخصیت ، حکومت ، خویشاوندی ، تاریخ و پیش تاریخ ، هنر ، اقتصاد و ... می پردازد .

انسان شناسی فرهنگی را توضیح دهید ؟

انسان شناسی فرهنگی درباره فرهنگ های موجود بخصوص فرهنگ های ابتدایی مطالعه می کند مثلاً انسان شناسی فرهنگی به مطالعه اقوام ، قبایل ، خوراک ، پوشاک ، مذهب ، آداب و رسوم زندگی و ... می پردازد .
انسان شناسی فرهنگی دارای ۳ زیرشاخه انسان شناسی ، انسان شناسی زبان و مردم شناسی می باشد .

تعریف فرهنگ از نظر یونسکو را بنویسید ؟

فرهنگ مجموعه پیچیده ای از خصوصیات احساسی ، فکری و غیر مادی است که بعنوان شاخص جامعه و یا گروهی اجتماعی مطرح می شود .

ویژگی های مهم فرهنگ را نام ببرید ؟

- ✓ مشترک بودن : این اشتراک عامل انسجام و نشان دهنده مقبولیت فرهنگ است .
- ✓ اکتسابی بودن : که از طریق تعامل با محیط انسانی و طبیعی کسب می شود .
- ✓ قابلیت انتقال دارد : آموزشی بوده و انتقال ارزش های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر در علم جامعه شناسی بازتولید فرهنگی نام دارد .

کارکردهای مهم فرهنگ را نام ببرید ؟

- ✓ تامین نیازهای اساسی (فیزیولوژیکی ، روانی ، اجتماعی) ← نیازهای غریزی
- ✓ ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی می کند ← مذهب
- ✓ ایجاد ارتباط جمعی و جامعه پذیری دارد . ← مانند دور ریختن آشغال و بستن کمر بند ایمنی
- ✓ هویت فردی ، گروهی و اجتماعی را به همراه دارد .

تاثیر فرهنگ بر روی شخصیت و تاثیر شخصیت بر روی فرهنگ را توضیح دهید ؟

تاثیر فرهنگ بر شخصیت انسانی با بوجود آوردن خرده فرهنگ هایی همچون برون گرایی ، درون گرایی ، هیجان پذیری ، آرامش و دوری از هیجان ، عاطفی تر شدن ، کنترل عاطفه و ... همراه است .

تاثیر شخصیت بر فرهنگ : شخصیت هایی که دگرگونی فرهنگی را رهبری می کنند یا ثبات و استحکام فرهنگی را موجب می سازند .

یک تعریف دیگر از فرهنگ و اجزای آنرا بنویسید ؟

فرهنگ برای جامعه همچون حافظه برای انسان است و تعریف آن این است : فرهنگ بخش انسان ساخته محیط است و اجزای آن به اجزای کوچکتر تقسیم می شود برای مثال با جداکردن جنبه های عینی فرهنگ از جنبه های ذهنی آن می توانیم چگونگی تاثیر فرهنگ بر رفتار اجتماعی را مطالعه و بررسی نماییم .

چه چیزهایی فرهنگ ذهنی نامیده می شوند ؟

مواردی همچون اندیشه ها ، نظریات ، استانداردهای اجتماعی ، سیاسی ، مذهبی ، علمی ، زیبایی شناسی و اقتصادی که همگی ساخته بشر می باشند فرهنگ ذهنی نامیده می شوند .

قالب های کلی برای فرهنگ ذهنی را نام برده و توضیح دهید ؟

قالب های کلی برای فرهنگ ذهنی عبارتند از پیچیدگی - فردگرایی - جمع گرایی - چیرگی

پیچیدگی : برخی فرهنگ ها پیچیده تر از فرهنگ های دیگر هستند . « نظام های پدرسالاری یا پادشاهی »

فردگرایی : برخی از فرهنگ ها تجربه اجتماعی را حول افراد خودگردان (خود رهبری) سازمان می دهند . « در اروپا هر فرد نظر و خواسته خود را دارد »

جمع گرایی : برخی از فرهنگ ها فرهنگ ذهنی خود را حول یک یا چند جمع ، خانواده ، قبیله ، گروه مذهبی یا کشور سازماندهی می کنند . « ایرانی ها خود را فدای جمع می کنند »

چیرگی : برخی از فرهنگ ها هنجارها ، قواعد و محدودیت های فراوانی را بر جامعه تحمیل می کنند حال آنکه برخی دیگر از فرهنگ ها از تحمیل چنین محدودیت هایی مبرا هستند . « سوسیالیسم ، روسیه و کره شمالی »

نحوه و عوامل شکل دهنده رفتار اجتماعی را توضیح دهید ؟

فرهنگ ، رفتار اجتماعی را شکل می دهد اما تنها عامل تعیین کننده نیست . زیست شناسی و زیست بوم (محیط زیست) هم در این امر نقش اساسی دارند و اهمیت آنها بطور نسبی ، بستگی به موقعیت دارد . تازمانی که با فرهنگ دیگری ارتباط برقرار نکنیم فرهنگ خودمان را نخواهیم شناخت .

فردگرایی و جمع گرایی به مثابه یک تفاوت فرهنگی را توضیح دهید ؟

فردگراها بر این باورند که هیچ اشکالی ندارد که بدون توجه به خواست گروه هرکاری که دلشان خواست انجام دهند (خودمختاری) اما جمع گرایان نسبت به اعضاء گروه احساس وابستگی دوجانبه دارند و خواست قلبی آنان این است که اهداف شخصی خود را تابع اهداف گروه سازند . در فرهنگ های جمع گرامردم اغلب به انجام عمل صحیح می اندیشند تا با انجام خواست شخصی خود .

اشتراک ها و افتراق های فرهنگ را توضیح دهید ؟

با همه اینکه میان فرهنگ ها تفاوت وجود دارد و به حسب ظاهر تفاوت ها زیادند اما نباید غافل شد که در برخی ساحت ها انسان بیش از آنکه متفاوت باشند با یکدیگر شبیهند . بسیاری از مقوله ها جهانی اند و معنای نسبتاً مشابهی دارند مانند زنای با محارم ، اسطوره ها ، رنج انسان ها ، قابلیت پیش بینی ، نظم و ... و اگر بخواهیم یک روانشناسی اجتماعی بنا نهیم در اولین مرحله باید ببینیم که چه چیزهایی جهانی اند و چه چیزهایی منحصر به فرهنگ خاص می باشند .

جنبه های امیک « phonemice » و اتیک « phonetice » فرهنگ را توضیح دهید ؟

شبهات ها را در مقوله فرهنگی به عناصر عمومی و جهانی و تفاوت ها را بعنوان عناصر ویژه و منحصر به فرد مورد استفاده قرار می دهند یعنی اینکه زمانی که ما فرهنگ ها را به خاطر خود آن فرهنگ ها مطالعه میکنیم به خوبی می توانیم روی عناصر امیک (شبهات ها) تمرکز کنیم اما زمانی که می خواهیم فرهنگ ها را باهم مقایسه کنیم باید روی عناصر اتیکی فرهنگ (تفاوت ها) کار کنیم .

زیست بوم و تاثیرات آن در مقوله رفتار را توضیح دهید؟

بطور خلاصه روش ساده شده تفکر درباره فرهنگ قرار دادن آن بین زیست بوم و رفتار اجتماعی است . فرهنگ به مثابه حافظه : فرهنگ برای جامعه همچون حافظه است برای افراد . فرهنگ سنت را می سازد و ما را در انتخاب رفتارها یاری می کند .

رسوم محیط اجتماعی را می قابل پیش بینی می کند . معمولاً اگر آنطور عمل کنیم که رسم است نگاه های کمتری متوجهمان خواهد شد . در برخی موارد می توان با جایگزینی رسوم به جای تفکر در وقت صرفه جویی کرد . هنجارها به ما می گویند که چه رفتارهایی در گذشته موثر بوده است و به ما اطمینان می بخشند که در آینده نیز موثر خواهند بود .

ارزش ها انسان ها را به سوی جنبه هایی از محیط که باید به آنها توجه شود و همچنین اهدافی که باید به آنها برسند هدایت می کنند .

مشخصه های فرهنگ را نام ببرید ؟

- ✓ فرهنگ در تعامل های سازش پذیر پدیدار می شود .
- ✓ فرهنگ دارای اجزای مشترک است مانند فرهنگ کسب و کار ، فرهنگ هنر و ...
- ✓ فرهنگ در طول دوره های زمانی به نسل های مختلف منتقل می شود .

عناصر مشترک فرهنگ را نام ببرید ؟

زبان مشترک - زمان مشترک - مکان مشترک

فرهنگ در حیطه بحث تاثیر زیست بوم بر رفتار را تعریف کنید ؟

فرهنگ دسته ای از عناصر ذهنی و عینی انسان ساز است که در گذشته احتمال بقا را افزایش داده و باعث رضایت هایی برای دست اندرکاران یک موقعیت زیست بومی شده است .

چارچوب (۱) رفتار اجتماعی → فرهنگ → زیست بوم

چارچوب (۲) رفتار → شخصیت → جامعه پذیری → فرهنگ → زیست بوم

تاثیر زیست بوم بر فرهنگ را توضیح دهید ؟

زیست بوم به معنای محیط فیزیکی ، جغرافیایی ، آب و هوایی و تمامی گیاهان و جانوران یک اقلیم که شامل برخی منابع مانند زمین حاصل خیز ، حیوانات شکاری ، نفت و فلزات است امکان بروز رفتارهای خاصی را فراهم می کند و به پاداش منجر می شود . رفتارهای پاداش گیرنده به رفتارهای خودبه خودی و سپس به رسوم آن فرهنگ تبدیل می شوند . زیست بو های که در آن بقاء به شکار و ماهیگیری وابسته است با زیست بوم هایی که در آن بقاء بر یک کشاورزی موفق متکی است تفاوت دارد .

تاثیر زیست بوم بر جامعه پذیری را توضیح دهید؟

در جوامعی که مردم به شکار و ماهیگیری می پردازند باید امکان نقل مکان به هر طرف وجود داشته باشد به این علت فرهنگ ها اجزایی را می سازند که تحرک فیزیکی را زیاد می کند در چنین محیط هایی انسان های کاردان ، متکی به نفس و مستقل خوب عمل می کنند و به همین دلیل در روش تربیت فرزندان به این کیفیت ها تاکید می شود . والدین با تشویق فرزندان به داشتن استقلال آنها را جامعه پذیر می کنند .

در فرهنگ هایی که دارای کشاورزی هستند همکاری لازمه کار است . شخصی که قابل اعتماد نیست یا خود را با این فرهنگ تطبیق نمی دهد نمی تواند همکار خوبی باشد پس جامعه پذیری در چنین جوامعی بر داشتن قابلیت اتکاء به مسئولیت پذیری و سازش پذیری تاکید می کند .

تاثیر زیست بوم بر شخصیت را توضیح دهید؟

مردم با فرهنگ های مختلف برای تربیت فرزندان خود روش های متفاوتی دارند . تفاوت موجود در شیوه جامعه پذیری می تواند به تفاوت شخصیت منجر شود . والدینی که نسبت به فرزندان خود دلسوز ، حامی و نوازشگرند کودکانی خوش بین و سازگار دارند اما والدینی که در برابر فرزندان خود بی تفاوت و معترضند فرزندان بدبین ، بی علاقه به خود ، از نظر احساسی منفعل ، متخاصم و متجاوز و دارای سازگاری کم نسبت به محیط هستند و دارای مشکلات جسمی و روانی می شوند .

تاثیر شخصیت بر رفتار را توضیح دهید؟

مثال مادرانی که فرزندان خود را بر پشت حمل می کنند و این باعث می شود تا به فرزندان خود دستشویی رفتن را آموزش دهند . در این مثال می بینیم که چگونه یک هنجار خاص (حمل بچه بر پشت مادر) به یک الگوی جامعه پذیری آموزش سختگیرانه بیرون روی و تبدیل و آن الگو به شکل گیری یک ویژگی شخصیتی منجر می شود . ویژگی که به نوبه خود به رفتارهای خاصی همچون وسواسی بسیار و تمیز و آراسته بودن می انجامد وقتی در مورد رفتارهای فردی قضاوت می کنیم باید به محدوده کامل تاثیرات توجه کنیم ، تاثیرات زیست بوم ، سازمان اجتماعی ، جامعه خانواده و شخصیت

ضرورت مطالعه شکل های مختلف رفتار فرهنگی اجتماعی را توضیح دهید؟

ما می دانیم که همه مردم نه تنها از طریق زبان بلکه از طریق فرازبانی خواسته های خود را بیان می کنند . یکی دیگر از میزان های اغراق آمیز بودن عبارت زبانی ، تفاوت فرهنگی در برخی از فرهنگ ها همچون فرهنگ ژاپن می باشد که از عبارات بسیار ملایم و متعادل استفاده می کنند و در برخی دیگر همچون فرهنگ اعراب یک فرد باید بی ریا باشد ، دو پهلو صحبت نکند و افکارش را با قدرت و قدری اغراق بیان کند .

تبعات عدم مطالعه فرهنگ ها را توضیح دهید؟

داستان گفتگوی بیکر با نماینده کشور عراق در سازمان ملل که با توجه به عدم شناخت متقابل فرهنگ ها در نهایت منجر به جنگ آمریکا و عراق گردید .

پنج عامل اندازه گیری فاصله فرهنگی را توضیح دهید ؟

برای اندازه گیری فاصله فرهنگی عواملی همچون زبان ، ساخت خانوادگی ، مذهب ، میزان دارایی و ارزش ها را در نظر می گیرند . بدیهی است کمترین فاصله فرهنگی بین ۲ کشور زمانی بوجود می آید که زبان ، ساخت خانوادگی ، مذهب ، میزان دارایی و ارزش های مشابهی را بتوان در میان ۲ فرهنگ شناسایی کرد .

مزایای مطالعات بین فرهنگی را توضیح دهید ؟

انسان ها نکات مشابه و مشترک بسیاری دارند که در همه فرهنگ ها ، مسابقات ورزشی ، جشن ، مراسم تدفین ، دید و بازدید ، لطفه گویی و... دیده می شود . همچنین در همه فرهنگ ها نوزادان باید نزد بزرگترها باشند تا از نظر ذهنی و جسمی تکامل یابند و همچنین اگر تعادل اجتماعی به حد کافی وجود نداشته باشد بی نظمی اجتماعی را باعث می شود . جنبه هایی از زیست بوم یا ساختار اجتماعی در میان بشر مشترک است .

یکی از مزایای مطالعات بین فرهنگی بررسی قابلیت تعمیم یافته های روانشناسی اجتماعی است . اگر ما به انجام تحقیقات بین فرهنگی نپردازیم امکان تمایز بین مطالعاتی که پدیده های علایق محلی را گزارش می دهند و مطالعاتی که به شرح پدیده های جهانی می پردازند مشکل خواهد بود .

تغییر فرهنگ ها و مطالعه تغییر فرهنگ ها را توضیح دهید ؟

فرهنگ ها به طرق گوناگونی تغییر می کنند و بر یکدیگر تاثیر می گذارند . جنگ ، تجارت ، توریسم ، مبلغان مذهبی و ... فرهنگ ها را تغییر می دهند .

پدیده دیگری که موجب تغییر فرهنگ می شود فرهنگ آموزی است . الگوهای فرهنگ پذیری بستگی به آن دارد که چه نسلی مورد مطالعه قرار گیرد . عموماً کودکان مهاجران اشتیاق دارند در جامعه جدید جذب شوند و به کودکان محلی شباهت پیدا کنند اما بچه های بزرگتر مهاجران به قومیت خود تمایل دارند و اغلب قوم گرایی خویش را ابراز می کنند و خود را از انبوه جمعیت متمایز می سازند .

نقش تعصب و تبعیض در تغییر فرهنگی را توضیح دهید ؟

تازه واردها ممکن است به جذب در فرهنگ میزبان علاقمند شوند یا ترجیح دهند از فرهنگ میزبان جدا بمانند در این میان آنچه که باعث می شود آنها در رفتار همسان سازی **matching** زیاده روی یا تعصب قومی را از خود نشان دهند وجود یا عدم وجود تعصب و تبعیض نسبت به آنها است هرچه تازه واردها بیشتر پذیرفته شوند احتمال همسان سازی بیشتر می شود و یا رفتار مبتنی بر تعصب قومی از خود نشان می دهند .

تاثیر پیوستگی اجتماعی بر فرهنگ و رفتار را توضیح دهید ؟

پیوستگی اجتماعی عاملی است که می تواند تاثیر حوادث نامطلوب زندگی را کاهش دهد . فرهنگ ها از نظر میزانی که مردم به تنهایی با مشکلات خود روبرو می شوند و یا به کمک دیگران مشکلات خود را حل می کنند متفاوت هستند (آمریکایی ها فرد گرا و ژاپنی ها جمع گرا هستند)

در فرهنگ های جمع گرا مشورت به صورت گسترده صورت می گیرد و مسئولیت تصمیمات نیز برعهده همه است بنابراین در فرهنگ های فردگرا شکست در کاری اغلب فشار بیشتر به دنبال دارد تا در فرهنگ جمع گرا که شکست بین گروه تقسیم می شود .

فرهنگ و نقش نابرابری جنسی را توضیح دهید ؟

الگوی کلی در سراسر جهان اینگونه است که مردان نسبت به زنان جایگاه و قدرت بیشتری دارند . یکی از شاخص های نابرابری جنسی درصد زنان بی سواد است . شاخص های دیگر برابر نبودن درصد زنان موجود در موقعیت های شغلی کلیدی بر مردان است .

جنسیت از چند عامل ساخته می شود ؟

✓ از درون حقایق فیزیولوژیکی : انجام برخی از کارهای سخت برای مردها به دلیل این شرایط فیزیولوژیکی مهیاتر است .

✓ فرضیات فرهنگی مانند باورها ، دیدگاه ها و ارزش ها که در زیست بوم های مختلف پدیدار شده اند .

فرهنگ و اخلاق را توضیح دهید ؟

در فرهنگ های جمع گرا نسبت به فرهنگ های فردگرا که به حقوق شخصی تاکید می شود نقش اخلاق چیزی فراتر از خوب عمل کردن است در میان جمع گراها رفتار اخلاقی ، رفتاری پرهیزکارانه است . همچنین در این فرهنگ تضاد بین فرد و گروه با تسلیم شدن فرد در برابر خواست جمعی حل می شود . در فرهنگ های فردگرا مردم بیشتر دوست دارند که ایده ای در برابر حقیقت داشته باشند و از عقاید انتزاعی استفاده کنند .

نقش امیک ها و اتیک ها در تحقیق بین فرهنگی را توضیح دهید ؟

اگر بخواهیم از این عناصر فرهنگی اتیکی و امیکی در مطالعات بین فرهنگی استفاده کنیم با موارد زیر روبرو هستیم: امیک ها بطور اجمال اندیشه ها ، رفتارهای جزئی و مفاهیمی هستند که به فرهنگی خاص اختصاص دارند . اتیک ها نیز به اجمال اندیشه ها و رفتارها و اجزاء و مفاهیمی عام در میان فرهنگ ها هستند ، یعنی جهانی اند . مفاهیم امیکی دربرقرار کردن ارتباط در درون یک فرهنگ به شکل خاص مفید واقع می شوند . بطور کلی می توان گفت که امیک ها در درون سیستم یک فرهنگ مطالعه می شوند اما اتیک ها خارج از سیستم در بیش از یک فرهنگ مطالعه می شوند .

روانشناسان می خواهند درباره انسان ها عمومیت بخشی کنند پس وارد جزئیات یک فرهنگ خاص نمی شوند (فقط با اتیک ها کار دارند) اما روانشناسان بین فرهنگی (روانشناسی اجتماعی) سعی می کنند هم فرهنگ ها را بفهمند و هم آنها را باهم به مقایسه بگذارند و در واقع آنها با هم با امیک ها و هم اتیک ها سر و کار دارند

فصل دوم

تحلیل فرهنگ ذهنی

راه های تحلیل فرهنگ ذهنی :

۱. مقوله بندی :

مقوله بندی مفید است زیرا محیط را برای ما آماده سازی می کند . مقوله ها معمولاً در رابطه با مقوله های دیگر تعریف می شوند (مثل گرما و سرما ، روز و شب)
کیتایاما با مطالعه فرهنگ ژاپن دریافت که زبان ژاپنی در مقایسه با انگلیسی ، اصطلاحات احساسی بین فردی بیشتری دارد .
در مجموع می توان گفت که ما می توانیم از راه آزمودن نحوه مقوله بندی ها ، لغات ، اندازه و تعداد کلماتی که در هر قلمرو مورد استفاده قرار می گیرد درباره یک فرهنگ چیزهای بسیاری بیاموزیم .

۲. تداعی معانی :

مقوله ها با ظهور همزمان و مکرر با یکدیگر تداعی معانی می یابند . زالای متوجه شد در فرهنگ هایی که حزب دموکرات سوسیالیست وجود داشت مقوله دموکراسی با مقوله سوسیالیست پیوند خورده است . ما با مطالعه انواع پیوند هایی که مردم بین کلمات مهم بوجود می آورند می توانیم مطالب بسیاری درباره یک فرهنگ یاد بگیریم .
مثال ایرانی تداعی معانی مفهوم مردم سالاری دینی در ایران است .

۳. باورها :

ایجاد ارتباط بین مقوله ها ، باورها را می سازد مثل اینکه بگوئیم آفریقایی - آمریکایی ها خوش هیكل هستند . یکی از مقوله هایی که مربوط به باور می شوند و از اهمیت خاصی برخوردارند . مقوله باورهای است که به علل مربوط به بروز رفتار یا نسبت دادن ها اشاره می کند . فرهنگ ها در نحوه نسبت دادن ها با یکدیگر فرق دارند . میلر دریافت که آمریکایی ها برای تشریح رفتار شخصی بیشتر از خواست و تمایل درونی استفاده می کنند تا عوامل محیطی و بیرونی ، بلعکس هندی ها از عوامل محیطی خیلی بیشتر از خواست درونی استفاده می کنند .
در مثال چرا مردم فقیر هستند پاسخ بدین گونه می شود اگر برخواست درونی ما مبتنی شود پاسخ این است چون مردم تنبلند و اگر مبتنی بر عوامل بیرونی باشد پاسخ این است که کار وجود ندارد .

۴. هنجارها :

هنجارها اندیشه هایی هستند درباره رفتارهایی که برای اعضاء گروه خاصی رفتار صحیح تعریف می شود مثلاً بیاییم که یک حقوق ۵۰ دلاری را بین دو نفر تقسیم کنیم برای این تقسیم بین این دو ممکن است از هنجار برابری سود جوییم بنابراین پول را بطور مساوی بین ۲ نفر تقسیم می کنیم یا ممکن است هنجار نیاز را انتخاب کنیم بنابراین به فرد نیازمند بیشتر و به فردی که نیاز کمتری دارد کمتر پول می دهیم .

۵. عقاید غالبی :

عقاید غالبی ، اندیشه هایی درباره ویژگی های گروه های مردمی است . مثلاً آفریقایی - آمریکایی های مقیم آمریکا به حزب دموکرات رأی می دهند که این را ی عقیده غالبی می گویند . جماعت اهل تسنن ایران بیشتر به اصلاح طلبان متمایل هستند .

۶. مطلوب ها و ارزش ها :

مطلوب ها اندیشه هایی درباره بهترین موقعیت ممکن جهان هستند . (مطلوب جهانی دوره گاندی صلح و دوستی و آزادی بوده است)

ارزش ها اصول هستند که زندگی ما را هدایت می کنند . جهت گیری های ارزشی برداشت هایی از این مطلوب ها هستند .

برخی معتقدند فرهنگ ها در پنج جهت گیری ارزشی با یکدیگر تفاوت دارند :

الف) طبیعت درونی انسان : می تواند شیطانی ، خستی یا خوب باشد همین طور می تواند تغییر پذیر یا ثابت باشد .
ب) روابط انسان طبیعت : می تواند منعکس کننده اسارت در برابر طبیعت ، هماهنگ با طبیعت یا غلبه بر طبیعت باشد .

ج) تمرکز زمان : می تواند بر گذشته ، حال و آینده متمرکز باشد .

د) چگونگی فعالیت های انسان : می تواند بر انجام دادن ، بر بودن (تجربه) و بر شدن (رشد کردن ، تغییر کردن) تاکید کند .

ه) چگونگی روابط اجتماعی : می تواند خطی (انجام دادن آنچه مسئولین می خواهند) پهلو به پهلو (انجام دادن آنچه همتاها می خواهند) و یا فردگرایانه (انجام دادن آنچه خودمان فکر می کنیم درست است)

تاثیر جهت گیری های ارزشی بر رفتار :

وقتی اعضای یک فرهنگ فکر می کنند که انسان ها شرور هستند قوانینی را مطلوب می دانند که فعالیت انسان را تحت کنترل گیرد همچون اقدامات پلیسی و اگر اعضای یک فرهنگ تصور خوبی از انسان داشته باشند ممکن است رفتار به آزادی و خودرأیی منجر شود .

تفاوت های فرهنگی در نحوه انتصاب :

اگر در یک امتحان مردود شوید والدین شما دلیل آن را جویا خواهند شد در پاسخ به احتمال زیاد از یکی از چهار توضیحات مبنی بر توانایی ، مشکل بودن کار ، کوشش و یا بخت و اقبال استفاده خواهید کرد .

روانشناسان درباره منصوب ها پس از مطالعات وسیع به این نتیجه رسیده اند که منصوب کردن شکست به تلاش کم بهتر از منصوب کردن آن به توانایی کم یا مشکل بودن کار است . زیرا شخص در رابطه با تلاش می تواند تصمیمی بگیرد اما در رابطه با توانایی یا مشکل بودن کار نمی تواند تصمیم جدیدی بگیرد . به همین جهت برخی

از روانشناسان به کودکان آموزش می دهند تا امور را به منصوب های تلاش ارجاع دهند . کودکانی که می آموزند منصوب های تلاش ایجاد کنند نسبت به کودکانی که دیگر منصوب ها را بکار می برند در مدرسه موفق ترند .

فرهنگ و ازدواج :

ازدواج های از پیش تعیین شده در فرهنگ های جمع گرا به نسبت فرهنگ های فردگرا در سطح بسیار گسترده ای مشاهده می شوند و این دو نوع فرهنگ برای ازدواج تبعاتی را دربر دارد بطور کلی درصد طلاق در میان کسانی که بر مبنای خاص والدین یا گروهی دیگر یعنی بزرگترهای باتجربه ازدواج می کنند خیلی پایین تر از درصد طلاق کسانی است که بخاطر عشق ازدواج می کنند . در تحقیقی دیگر شدت عشق مقیاس قرار داده شده و دریافته اند زوج هایی که به خاطر عشق با یکدیگر ازدواج کرده اند تنها در طول ۵ سال اولیه زندگی بیشتر عاشق بوده اند و از ۵ سال به بعد به شکل قابل توجهی کمتر از زوج هایی که با مقدمات ازدواج کرده بودند عاشق همسر خود بوده اند و جالب تر اینکه این تفاوت بعد از ۱۰ سال بسیار زیادتر شده است .

فرهنگ و ارتباطات :

اگر می خواهید بطور موثری با دیگران ارتباط برقرار کنید باید با فرهنگ ذهنی مردمی که با آنها ارتباط برقرار می کنید آشنا باشید . صحت ارتباط این مفهوم را می رساند که هم گیرنده ، هم منبع یک پیام هر دو برای یک مفهوم معنای مشابهی را تعیین می کنند . اگر ما بخواهیم ارتباطات خود را بهبود بخشیم باید از توانایی های خود آگاه باشیم .

هاول چهار مرحله توانایی را شناسایی کرده است :

۱. ناتوانی نا آگاهانه : زمانی که ما رفتار دیگری را غلط تفسیر می کنیم اما نسبت به اشتباه خود آگاهی نداریم .
۲. ناتوانی آگاهانه : زمانی که ما نسبت به تفسیر غلط خود از رفتار دیگران آگاه هستیم اما نمی دانیم چه باید بکنیم .
۳. توانایی آگاهانه : زمانی که ما رفتار خود را بر مبنای این حقیقت متعادل می کنیم که در حال ارتباط برقرار کردن با فردی از فرهنگ دیگر هستیم .
۴. توانایی ناآگاهانه : زمانی است که الگوی ارتباطی صحیح به بخشی از عاداتمان تبدیل شده اند به گونه ای که دیگر نیاز نداریم درباره استفاده از یک الگوی متفاوت فکر کنیم . (متکدی پروری)

تأثیرات فرهنگ بر خشونت یا امدادگری ، تسلط یا همگون گردی

خودشناسی عنصری دیگر برای رفتار :

خودشناسی های ما ایجاب می کند که در یک موقعیت خاص به روشی عمل کنیم که تصور می کنیم برای ما شایسته است . ما بسیاری از رفتارهایمان را به دلیل احساسات نسبت به آنچه برای ما شایسته است یعنی همان احساس اخلاقی انجام نمی دهیم بلکه عنصر مهم دیگر خودشناسی ما خود اثربخشی است . خود اثربخشی میزانی است که شخص تصور می کند کاری را با وجود موانع و مشکلاتی که ممکن است او را از انجام کار باز دارد انجام می دهد . مثلاً اگر شخصی فکر نکند قابلیت یا توانایی رسیدن به هدف خاصی را دارد برای رسیدن به آن هدف حتی سعی هم نخواهد کرد .

موقعیت ها رفتار سازند :

نیسبت (nisbet) در سال ۱۹۹۰ با استفاده از مباحث روانشناسی تکاملی تفاوت هایی را در زمینه رفتار خشونت آمیز ارائه داد . ساکنین تروک و تاهیتی در اقیانوس آرام در زیست بوم های مشابهی زندگی می کنند اما مردم تروک در دریای آزاد ماهی می گیرند که کار بسیار خطرناکی است بنابراین نیاز به بی باکی و خشونت بیشتری دارند نسبت به مردم تاهیتی که از مرداب که هیچگونه خطری ندارد ماهی می گیرند و اتفاقاً هر دو در جزیره گرمسیری هستند . بدین گونه مردمان تاهیتی صلح طلب تر و امدادگرند .

عوامل سبب ساز رفتارهای خشونت آمیز :

هر نوع برانگیختگی قوی می تواند رفتار خشونت آمیز را تسهیل یا افزایش دهد همچون برانگیختگی به واسطه : هوای گرم و مرطوب ، سر و صدا ، توهین ، درد ، حذف پاداش مرسوم ، محرومیت ، ناتوانی برای دستیابی به اهداف ، گرسنگی ، در معرض محرکات جنسی قرار گرفتن ، تماشای برنامه های تلوزیونی خشن ، تابرابری امکانات ، عوامل بیولوژیکی ، عوامل ساختی اجتماعی (ضعف در یکپارچگی اجتماعی) ، صمیمیت کم در خانواده ها ، دخالت اندک پدر در خانواده ، جدایی از خویشاوندان ، مدل سازی ، سهولت در انجام عمل خشن ، پرداخت بهایی اندک در برابر انجام عملی خشن

شرایط رفتار امدادگرانه :

۱. هنجارهای تعیین کننده فرهنگ درباره کمک کردن
۲. تعهدات اخلاقی مربوط به کمک کردن
۳. تأثیری که به کمک کردن نسبت داده می شود .
۴. سودمندی ناشی از امدادگری
۵. مشکلات درک شده در رابطه با کمک کردن (مثال حمل تصادفی به بیمارستان)
۶. بهای کمک کردن

سودمندی یا ناسودمندی امدادگری :

درک عواقب کمک کردن از عوامل مهم و تعیین کننده برای کمک کردن افراد به یکدیگر است . اگر کمک بنظر خطرناک رسد با امکان زیان و ضرر به فرد کمک کننده را داشته باشد احتمال کمک کردن کاهش می یابد . پدیده ای دیگر بنام معامله به مثل می تواند امکان کمک کردن را هم افزایش دهد . عادت به کمک کردن در فردی که یکبار عمل کمک کردن را انجام می دهد بسته به تجربه پاداش یا مجازاتی که دریافت می کند تقویت یا تضعیف می شود .

گوناگونی و روابط بین فرهنگی

مزایا و معایب گوناگونی :

از مزایای آن این است که گروه های ناهمگن در مقایسه با گروه های همگن خلاق تر هستند و امکان دستیابی به تصمیمات با کیفیت بالا در آنها بیشتر است . از طرف دیگر شواهد به ما نشان می دهد که گوناگونی نیز دارای معایبی می باشد همچون نزاع های ملی ، مذهبی ، نژادی ، ناحیه ای ، قبیله ای ؛ بطور کلی اگر گوناگونی ضعیف ارائه شود می تواند مصیبت بار باشد .

به هنگام پرداختن به گوناگونی بایستی به عواملی توجه کرد :

۱. فاصله فرهنگی : فاصله فرهنگی بین ترک های قوچان و ترک های درگز یا کردهای کلات با کردهای

کردستان

۲. شباهت درک شده : شرقی ها از غربی ها عاطفی تر هستند .

۳. فرصت های ایجاد تعامل : (چند نوع معاشرت از قبیل معاشرت های خانوادگی ، شهروندی ، آئینی

{ مسلمانان در مکه در زمان حج } و معاشرت های دوستانه)

۴. فرهنگ آموزی : (با آموزش هم نزدیک تر و هم شبیه تر می شویم)

برای ارتباط بین دو فرهنگ ۴ روش ممکن وجود دارد :

۱. تلفیق یا ادغام : بعنوان نوعی از فرهنگ آموزی تعریف می شود که هر گروه نه تنها فرهنگ خود را حفظ

می کند بلکه رابطه اش را با فرهنگ دیگر نیز حفظ می کند .

۲. همگون گردی : زمانی بروز می کند که یک گروه فرهنگ خود را حفظ نمی کند اما تماسش را با فرهنگ

دیگر قطع می کند .

۳. جداسازی : زمانی رخ می دهد که گروه فرهنگ خود را حفظ می کند اما تماسش را با فرهنگ دیگر قطع

می کند .

۴. کناره گزینی : زمانی پیش می آید که نه برای حفظ فرهنگ گروه خود تلاش می کند و نه برای ایجاد

رابطه با فرهنگ دیگر

موانع موجود بر سر راه روابط بین فرهنگی :

۱. قوم مداری

۲. فاصله فرهنگی

هم می دهند تا موجب درک عدم تشابهات شوند عدم تشابهات منجر به تضاد می شود و تضادها هم در قالب های واژه های منفی بروز می کند و در نتیجه روابط را به گونه ای تجربه می کنند که گویی آنها هیچ کنترلی بر آن ندارند و دست آخر نسبت به همدیگر احساس خصومت می کنند . اگر بخواهیم جوهره قوم مداری را در یک جمله خلاص کنیم اینگونه می شود : هرچه فرهنگ دیگر بیشتر شبیه فرهنگ ما باشد بهتر است .

آموزش بین فرهنگی

ضربه فرهنگی : (مثال افطاری حزب اله) وقتی مردم از یک فرهنگ وارد فرهنگ دیگری می شوند ممکن است ضربه فرهنگی را تجربه کنند . این پدیده با نشانه های فیزیکی و روانی شناخته می شود (مثال توالی رفتن ایرانی ها و غربی ها)

هرچه فاصله فرهنگی بین جامعه میهمان و جامعه میزبان بیشتر باشد این ضربه شدید تر خواهد بود . خود اثربخشی به میزان تسلطی بستگی دارد که فرد نسبت به محیط خود احساس می کند ، هرچه ما در مبارزه با موانع بطور فزاینده ای غالب شویم خود لیاقتی ما رشد بیشتری پیدا می کند .

عوامل تعیین کننده موفقیت در روابط بین فرهنگی :

آمادگی مسافر برای یادگیری : ضربه فرهنگی را می توان از طریق آماده سازی صحیح از بین برد . بطور یقین یادگیری زبان محلی در این مسأله کمک بسیار بزرگی می کند چون اولین گام ارتباط انسان زبان می باشد . مهمترین مزیت یادگیری زبان محلی بدست آوردن نوعی احساس خودلیاقتی و اعتماد به نفس است .

تنوع یادگیری فرهنگی : راه های بی شماری برای یادگیری فرهنگ های دیگر وجود دارد .

۱. شما می توانید زمانی را با عضو یا اعضای فرهنگ دیگر بسر برید .

۲. درباره فرهنگ آنها مطالعه کنید .

۳. از کسانی که در میان آنها زیسته اند سؤال کنید .

۴. آموزش بگیریم .

آموزش عام فرهنگی در برابر آموزش خاص فرهنگی

بسیاری از ویژگی‌ها در همه فرهنگ‌ها وجود دارند و خاص هیچ فرهنگی نیستند :

۱. بدانیم که ما همه قوم مدار هستیم و درحالی که قوم مدار هستیم سعی می‌کنیم بر خود چیره شویم .
۲. یاد بگیریم موارد شخصی را از موارد ملی جدا کنیم .
۳. بیاموزیم که چگونه به مکالمه‌های فرهنگ میزبان مسلط شویم .
۴. یاد بگیریم که از هم ملیت‌های خود فاصله بگیریم تا بتوانیم مهارت‌های جدید محلی لازم را برای زیستن در فرهنگ میزبان با سرعت تمرین کنیم .
۵. بیاموزیم که فعالیت‌های لذت بخش را در فرهنگ میزبان بیابیم .
۶. بیاموزیم جنبه مثبت را در هر موقعیتی ببینیم .
۷. یاد بگیریم زود قضاوت نکنیم .
۸. ببینیم مردم در زمان رویارویی با دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوت چگونه عکس العمل نشان می‌دهند .

چگونگی عکس العمل مردم در زمان رویارویی با دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوت

در این خصوص ۴ حال متصور است :

۱. تفاوت را نادیده بگیریم .
۲. با انجام بحث‌های فراوان برای مستحکم کردن موقعیت خود و یا از طریق بدست آوردن حمایت از جانب هم ملیت‌هایی که با آنها موافقت سعی کنند بر موقعیت خود پافشاری کنند .
۳. فرق گذاری : هیچ مشکلی وجود ندارد که آنها آنطور عمل کنند و ما به روش خودمان
۴. برتری : تحت برخی شرایط به نحوی که هر دو روش صحیح هستند . ما در شرایط X بهترین است و روش آنها در شرایط Y بهتر است .

حکایت همخان باقیست

به پایان آمد این دفتر